



تاریخ نگاری شیعیان در سده های نخستین

پدیدآورده (ها) : داداش نژاد، منصور

تاریخ :: نامه تاریخ پژوهان :: تابستان 1386 - شماره 10

از 45 تا 88

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/216124>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 17/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین

منصور داداش‌نژاد*

چکیده

در نوشته حاضر، روند و جریان تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین بررسی شده است. طرح دو دیدگاه در باره جهت‌گیری مذهبی گزارش‌های موجود در مصادر تاریخی اهل سنت، و نیز بررسی واژه‌ها و اصطلاحات تاریخ‌نگاری در کتاب‌های فهرست شیعه، به‌ویژه رجال نجاشی، و هم‌چنین تجزیه و تحلیل نوشته‌های تاریخی شیعیان، از جمله مباحث این نوشته است. نتیجه این پژوهش آن است که شیعیان به تاریخ‌نگاری (به‌ویژه حوزه‌ها و محورهای، مانند غیبت امام دوازدهم که دیگر فرقه‌ها به آن کمتر توجه داشته) اهمیت داده‌اند. البته از آن‌جاکه به صاحبان قدرت، اعتماد نداشته به روند تاریخ‌نگاری عمومی و تاریخ خلافت، رغبت چندانی نشان نداده‌اند. در ادامه، شیوه و سبک تاریخ‌نگاری «جلودی» یکی از مورخان پرتالیف، اماگمنام شیعه بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ، تاریخ‌نگاری، شیعیان، اخباری و جلودی.

مقدمه

شیعیان، هم‌پای دیگر گروه‌ها و فرقه‌ها به تاریخ و تاریخ‌نویسی اهمیت داده و در این رشته از آغاز، اهتمام ورزیده‌اند. این موضوع با مراجعه به کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌هایی که به

* عضو گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



منظور معرفی نگارش‌های شیعیان تدوین شده به راحتی قابل فهم و تأیید است. با این حال، برخی این مسئله را نپذیرفته و مدعی شده‌اند که شیعیان در زمینه تاریخ و برخی علوم دیگر، سهمی نداشته‌اند. در پاسخ به این ادعا، گروهی از شیعیان با تدوین کتاب و گردآوری آثار شیعه، تلاش کرده‌اند نشان دهند که شیعیان نه تنها در زمینه‌های مختلف علمی، از جمله تاریخ، آثار قلمی از خود به یادگار گذاشته‌اند، بلکه در این زمینه، پیشگام بوده و اولین نویسندگان در حوزه‌های مختلف، از جمله سیره رسول خدا ﷺ و تاریخ‌نگاری، شیعه بوده‌اند. پژوهش حاضر، فارغ از ادعای دو طرف، تلاش می‌کند در حوزه تاریخ و تاریخ‌نگاری شیعیان به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

آیا تاریخ و تاریخ‌نگاری برای شیعیان اهمیت داشته و در این زمینه، نگارش‌هایی داشته‌اند؟ اگر پاسخ مثبت است در چه عرصه‌هایی از تاریخ، گام گذاشته و سهم آنان به چه میزان است و نوشته‌های آنان از جهت موضوع و محتوا چه تفاوتی با نگارش‌های مشابه دارد؟

طبیعی‌ترین راه برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، مراجعه به کتاب‌های تدوین شده از سوی نویسندگان شیعی در زمینه تاریخ است. البته چون محدوده زمانی این بررسی چهار قرن اول هجری است، نوشته‌های قابل توجهی در این زمینه در میان نیست، زیرا بسیاری از نوشته‌های ایشان مانند نوشته‌های گروه‌های دیگر، باقی نمانده و تنها در کتاب‌های فهرست یا لابه‌لای کتاب‌های برجای مانده بعد، از آن‌ها یاد شده است. به همین دلیل، بهترین راه برای یافتن جواب، مراجعه به کتاب‌های فهرست تنظیم شده در قرن چهارم و پنجم است که خوشبختانه در این زمینه، سه کتاب مهم در اختیار است. این سه کتاب عبارت‌اند از: فهرست ابن ندیم (م ۳۸۰ق)، رجال نجاشی (م ۴۵۰ق) و فهرست طوسی (م ۴۶۰ق) که نویسنده هر سه فهرست، شیعه بوده‌اند. این پژوهش با تکیه بر اطلاعات مندرج در این کتاب‌ها تدوین شده است.

سهم شیعیان در مصادر تاریخی اهل سنت

پیش از پرداختن به موضوع مورد نظر و پی‌گیری سؤال‌های مطرح شده، لازم است به دو دیدگاه درباره محتوای کتاب‌های تاریخ برجای مانده از سده‌های اول هجری، نظری بیفکنیم.

در این زمینه، دو دیدگاه به شرح زیر وجود دارد:

دیدگاه اول: بر اساس این دیدگاه، جهت‌گیری کلی منابع تاریخی، جهت‌گیری شیعی است؛ به این معنا که در کشمکش‌ها و نزاع‌های صدر اسلام، مانند نزاع میان حضرت فاطمه (علیها السلام) و ابوبکر؛ وقایع و حوادث اواخر خلافت عثمان؛ نزاع امام علی (علیه السلام) با اصحاب جمل و معاویه؛ درگیری امام حسین (علیه السلام) با یزید و... سمت و سوی گزارش‌ها حمایت از امام علی، امام حسین و اهل بیت (علیهم السلام) است، هر چند این منابع از سوی نویسندگانی با گرایش‌های سنی تدوین شده باشد. بر اساس این دیدگاه، پیوسته گزارش‌های تاریخی در خصوص درگیری‌های بنی‌هاشم و بنی‌امیه به نفع بنی‌هاشم نوشته شده و آنان محق دانسته شده‌اند و حتی در درگیری‌های بعدی میان عباسیان و گروه‌های دیگر هاشمی، مانند بنو حسن یا بنو حسین، همواره لحن گزارش‌های تاریخی حمایت از آنان بوده است. این عقیده بر آن است که روح کلی تاریخ‌نگاری اسلامی به نفع شیعیان و حامی آنان بوده و با علایق شیعی نوشته شده است. نویسنده کتاب *اثر التشیع فی الروایات التاریخیه فی القرن الاول الهجری*^۱ چنین دیدگاهی را در نوشته‌اش پی‌گرفته است. نویسنده این کتاب، بسیاری از راویان و مورخان نخستین را به مجرد نقل روایتی که می‌توانسته مورد استفاده شیعه قرار گیرد یا راویان روایاتی که مثالب خلفای نخست را در برداشته، شیعه قلمداد کرده است. وی در پایان نوشته‌اش به نتایج زیر دست یافته است:

- ۱- روایات تاریخی شیعه، معطوف به حوادث عراق است.
 - ۲- حجم زیادی از روایات شیعی در مصادر تاریخی اهل سنت موجود است.
 - ۳- استفاده مصادر سنی از منابع تاریخی شیعه به منظور جبران کمبود منابع و تکمیل گزارش‌های کتاب‌های تاریخی‌شان بوده است.
 - ۴- آمیختگی روایات شیعی با سنی، سبب شده تا برخی از راویان سنی هم تحت تأثیر روایات شیعی قرار گرفته، آن‌ها را روایت کنند.
- طراحان این نظریه و پیروان آن‌ها متعلق به گروهی می‌باشند که در قرن‌های نخستین از

۱. رسول جعفریان گزارشی از این کتاب آورده است (ر.ک: منابع تاریخ اسلامی، ص ۲۶۴).



آن‌ها تعبیر به عثمانی می‌شده و اندکی بعد به اهل حدیث و پس از آن به حنبلی شهرت یافته‌اند. آن‌ها هرگونه تمایل شیعی را تشیع دانسته‌اند. بر اساس این دیدگاه افراطی، تاریخ موجود، «تاریخ شیعی» است و بحث از امکان آن، تحصیل حاصل است.

دیدگاه دوم: برخلاف نظر اول که از سوی نویسندگان تندروی اهل سنت مطرح شده، عده‌ای از شیعیان معتقدند که بیشتر آثار باقی مانده در حوزه تاریخ مربوط به اهل سنت است و از شیعیان تنها موارد انگشت شماری کتاب تاریخ مانده است. این گروه، تنها یعقوبی را شیعه دانسته، و افرادی مانند ابومخنف، نصر بن مزاحم، ابن اعثم کوفی و مسعودی (صاحب مروج الذهب) را شیعه به معنای مصطلح آن نمی‌دانند و معتقدند این گروه از تاریخ‌نویسان که بر مشی اهل سنت رفتار می‌کرده‌اند، تقیه نمی‌کرده‌اند، زیرا تقیه حدی داشته و در این راه نمی‌توان نص را به سبب تقیه، منکر شد. صاحبان این نظریه، شیعه را کسی می‌دانند که به «امامت» و «عصمت» ائمه علیهم‌السلام معتقد است. طبق این ملاک، بسیاری از کسانی که به تشیع شهره شده‌اند در واقع، تهمت شیعی بودن خورده‌اند و این تهمت‌ها بدان منظور بوده که آنان از دایره استناد و حجت بودن خارج شوند. برخلاف گروه نخست که ناقلان حادثه غدیر را شیعی می‌دانست، این گروه به صرف نقل حادثه غدیر از سوی مورخانی، آن‌ها را شیعی نمی‌دانند، زیرا در آن صورت چنان باید پنداشت که حادثه غدیر را تنها شیعیان پذیرفته‌اند.

در نگاه این گروه، علت بی‌توجهی شیعه به تاریخ، توجه آن‌ها به کلام بوده است. به طور مثال، تلاش شیخ مفید در *ارشاد و الجمل*، و نیز توجه کلینی در ابواب تاریخی *اصول کافی*، به مسائل معرفتی، عقیدتی و کلامی محدود می‌شود. این امر نیز ناشی از محدود بودن مورخان شیعی و مسائل خاص آن است؛ یعنی این گروه از نویسندگان (شیخ مفید و کلینی) ابتدا در صدد تثبیت مذهب خود بودند تا بعد بتوانند تاریخ آن را روایت کنند، اما عمدتاً در همان مرحله اول مانده‌اند.

بر اساس این نظریه اگر بخواهیم تاریخ را با تکیه بر منابع شیعی سامان دهیم، محدود به بخش‌هایی از تاریخ می‌شود که به گونه‌ای با ائمه علیهم‌السلام یا شیعه ارتباط پیدا کرده است و از آن‌جا که به‌طور معمول اطلاعات کتاب‌های شیعه در این موارد کامل نیست، برای پر کردن جاهای

خالی باید به سراغ منابع اهل سنت رفت.^۱

طبیعی است که صاحبان این دو دیدگاه با توجه به واژه «شیعه» و کاربرد آن، نظریه خود را ارائه کرده‌اند. در نگاه گروه اول، تمایل به اهل بیت علیهم‌السلام گرچه اندک بوده باشد، نشان شیعی بودن است و با این حساب، بیشتر مورخان که پایگاهشان عراق بوده است، شیعه به حساب آمده‌اند. اما طبق نگاه دوم که شیعه را فراتر از محبت اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند و بر «نص» و دیگر اصول اعتقادی تأکید می‌کند، قاعدتاً بسیاری از نویسندگان عراقی، شیعه به معنای خاص آن نیستند، زیرا در این تعریف، معیارهای اعتقادی مطرح است.

صرف نظر از دو دیدگاه مطرح شده، به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از منابع موجود تاریخی شامل مطالبی است که برای تحقیق در مباحث مورد نظر شیعیان، به‌ویژه برای بررسی تاریخ سه امام اول شیعه، مفید است و چنان که با روش‌های علمی از گزارش‌های این کتاب‌ها استفاده کنیم، بهره و نتیجه به دست آمده از آن، مطلوب شیعیان خواهد بود، اما چنان نیست که گزارش‌های آن‌ها یک جانبه و کاملاً در راستای اهداف شیعه تنظیم شده باشد، بلکه بیشتر مباحث آن‌ها مربوط به شخصیت‌های مورد احترام اهل سنت، به‌ویژه سه خلیفه اول است، چنان‌که در منابع حدیثی نیز به همین منوال، مباحث تنظیم شده و فضایل سه خلیفه اول و امام علی علیه‌السلام همه در یک راستا و گاه در مقیاسی بیشتر، روایت شده است.

پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقاله‌هایی که تاکنون در زمینه تاریخ‌نگاری شیعیان در حوزه ایران تدوین شده به شرح زیر است:

تأسیس الشیعه / حسن صدر^۲

این کتاب در صدد اثبات پیش‌گامی شیعیان در بیشتر علوم است. کتاب در چهارده فصل

۱. برگرفته از جزوه سخنرانی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین یوسفی غروی در انجمن تاریخ‌پژوهان، سال ۱۳۸۲. ضمناً در نشستی دیگر که در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم‌السلام برگزار شد، استاد یوسفی بی‌توجهی شیعیان به تاریخ را به موضوع انتظار نیز پیوند زده و معتقد است چون شیعیان حالت استقرار نداشته و نگاه به آینده داشتند از ثبت گزارش‌های مربوط به حال، غفلت کردند.

۲. حسن صدر، تأسیس الشیعه، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۵.

تنظیم شده و فصل هفتم آن به تبیین پیشگامی شیعیان در تاریخ‌نگاری و سیره رسول خدا ﷺ اختصاص داشته و آثار علمی شیعیان در این زمینه، گردآوری شده است. نویسنده کتاب، برخی از افرادی را که معمولاً به لحاظ مذهبی، سنی شمرده می‌شوند از شیعیان دانسته است، مانند ابن اسحاق، نویسنده سیره نبوی^۱ و واقدی، صاحب مغازی^۲. هم‌چنین در بخش‌هایی دیگر، حاکم حسکانی نیز شیعه معرفی شده است.^۳ باید توجه داشت که کاربرد واژه شیعه درباره این افراد در متن‌های کهن به هیچ عنوان نمی‌تواند به مفهوم امروزی و مصطلح آن (شیعه اعتقادی) بوده باشد.

تاریخ‌نگاری شیعیان / محمدحسین مشایخ فریدنی^۴

در این نوشته نیز همان دیدگاه کتاب تأسیس الشیعه پی‌گرفته شده و جز این بر نقش ایرانیان در تاریخ نویسی شیعی تأکید شده است. نویسنده، جلوه‌هایی از تاریخ‌نگاری شیعیان و کتاب‌های تألیف شده از سوی ایشان را معرفی کرده است. وی موالی شیعه را که غالباً نژاد ایرانی داشتند، به عنوان پیشگامان تاریخ‌نگاری معرفی می‌کند. او محمد بن اسحاق و واقدی را که هر دو از نخستین سیره‌نویسان بودند، شیعه و ایرانی می‌داند و مورخان بزرگی، مانند ابومخنف که متخصص تاریخ عراق بود؛ واقدی که اخبار سیره و حجاز را در دست داشت؛ و محمد بن سائب کلبی را که سرآمد علمای انساب بود، از جمله نویسندگان شیعی می‌داند. مشایخ فریدنی در پایان مقاله، فهرستی از مؤلفان شیعی را ذکر کرده و در آن، از ۳۸ مورخ شیعی یاد می‌کند که آخرین آن‌ها سپهر، نویسنده *ناسخ التواریخ* است.^۵

تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع / رسول جعفریان^۶

نویسنده مقاله، ذیل چند عنوان، سهم شیعیان را در عرصه‌های مختلف تاریخ‌نگاری بیان

۱. همان، ص ۲۳۲.

۲. همان، ص ۲۴۲.

۳. همان، ص ۲۶۰.

۴. محمدحسین مشایخ فریدنی، «تاریخ‌نگاری شیعیان»، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۴، ص ۳۸۲، مدخل تشیع - تاریخ‌نگاری.

۵. همان، ص ۳۸۸.

۶. رسول جعفریان، «تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، *آیین پژوهش*، ش ۴۱، ص ۲. گفتنی است همین نوشته در مقدمه کتاب *حیات فکری و سیاسی ائمه شیعه* نیز آمده است.

کرده است. عناوینی چون آثار شیعی در سیره نبوی، کتاب‌های قصص انبیاء، کتاب‌های دلایل از قرن چهارم تا ششم، کتاب‌های کلامی - تاریخی، کتاب‌های حدیثی - تاریخی، کتاب‌های رجال - تاریخی، تاریخ‌های دوازده امام از قرن پنجم تا هفتم و تاریخ‌های محلی از قرن چهارم تا هشتم. به نظر نویسنده، برای شیعیان ثبت تاریخ حرکت‌ها و جنبش‌های شیعی یا متمایل به تشیع، گاه از سیره نبوی نیز مهم‌تر بوده، زیرا شیعیان شاهد بودند که به هر روی، سیره نبوی نگارش می‌یابد و دیگران هم به آن توجه دارند، اما اخبار علویان و جنبش‌های شیعی از میان می‌رود یا تحریف می‌شود. همچنین وی معتقد است که تحولات دیگر، مانند بحث در باره تاریخ خلفا نمی‌توانست توجه شیعیان را به خود جلب کند، زیرا شیعه پیوندی میان تاریخ خود و آن‌ها نمی‌دید.

سهم و نقش مورخان شیعه در تاریخ‌نگاری اسلامی / فاطمه جان احمدی^۱

نویسنده، ذیل عناوینی مانند سیره‌نگاری، نسب‌نگاری، تواریخ‌عمومی، فتن و ملاحم، فتح‌نگاری و مقاتل، آثار شیعیان را شمرده است و در ادامه، از مورخان شیعه تا قرن چهارم هجری یاد کرده و مختصری از زندگی آنان را گزارش داده است. وی در پایان مقاله، نتایجی به شرح زیر گرفته است:

۱- مورخان شیعه مانند دیگر مسلمانان به تدوین و ثبت تاریخ و حوادث آن توجه داشته و در این زمینه، نقش به‌سزایی داشته‌اند، اگرچه نمی‌توان تمایزی میان مورخان اسلامی قائل شد.

۲- مورخان شیعی نقش مؤثری در پدید آمدن برخی سبک‌های جدید نگارشی، مانند سبک کتاب‌های مناقب، مقاتل و مثالب داشته‌اند که این دست نوشته‌ها رسالت بازگو کردن مظلومیت شیعه و ائمه (علیهم‌السلام) را برعهده داشته و در میان منابع مکتوب، جای ویژه‌ای به خود اختصاص داده‌اند.

۳- مورخان شیعه در کار تدوین منابع تاریخی، حفظ و نگهداری احادیث نبوی، روایت ائمه شیعی و نیز تفسیر قرآن و دیگر علوم مشابه، سرآمد بوده‌اند، هر چند هرگاه فشار حاکمان بر مورخان شیعی بالا می‌گرفت، آنان در رشته‌های دیگر علوم، مانند فقه و کلام گام می‌نهادند و

۱. فاطمه جان احمدی، «سهم و نقش مورخان شیعه در تاریخ‌نگاری اسلامی»، چاپ شده در: دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، به کوشش حسن حضرتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.

همین، عامل اصلی رشد و گسترش فقه شیعی شده است.^۱

تاریخ‌نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم / علی امامی فر^۲

این نوشته، کتابی است که به صورت مستقل درباره مورخان شیعی و تاریخ‌نگاری شیعیان تدوین شده است. نویسنده، کتاب را بر اساس نام مؤلفان، تنظیم کرده و ذیل نام هر یک تنها کتاب‌های تاریخی آن‌ها را شمرده است. وی ابتدا تحقیقی تکراری در باره شیعه انجام داده و شیعیان سیاسی را که بیشتر در عراق ساکن بودند با شیعیان امامی متفاوت دانسته است. در ادامه به مشکلات شیعیان در تاریخ‌نگاری، از جمله فشارهای سیاسی اشاره کرده و سپس گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری شیعیان را چنین شمرده است: سیره‌نگاری، تاریخ‌نگاری عمومی، نسب، مقتل نویسی، علم رجال و کتب فرق. در مجموع، این کتاب، بیشتر بر رجال نجاشی متکی بوده و بر اساس آن کتاب و کتاب‌های دیگر، فهرست موضوع تاریخ‌نگاری شیعیان را سامان داده است. کتاب، توصیفی است و به بررسی تحلیلی و دوره‌ای نوشته‌ها و کتاب‌های شیعیان نپرداخته و تأثیر این کتاب‌ها در نوشته‌های بعدی پی‌گیری نشده است. کتاب فاقد چهار چوب نظری و بررسی‌های تاریخی است. جا داشت قطعات باقی مانده از هر یک از نویسندگانی که در کتاب از آن‌ها یاد شده گردآوری و میزان رواج هر یک و تأثیر آن، بر کتاب‌های بعدی پی‌گیری می‌شد.

معجم مورخی الشیعه / صائب عبدالحمید^۳

نویسنده، انگیزه خود را از تدوین کتاب، بی‌اعتنایی شاکر مصطفی در کتاب *التاریخ العربی و المورخون* به نگارش‌های شیعه و معرفی نکردن آن‌ها و نپرداختن به شرح حال نویسندگان شیعی بیان کرده است. وی علاوه بر مراجعه به کتاب‌های فهرست، مانند فهرست شیخ طوسی و چند فهرست دیگر که عطف توجهشان به شرق و بیشتر عراق است، تلاش کرده نویسندگان شیعی مناطق دیگر جهان اسلام را نیز پوشش دهد. به همین منظور، وی برای پی‌گیری مورخانی که در شام می‌زیسته‌اند، کتاب ابن ابی طی را مناسب یافته، اما چون این کتاب از

۱. همان، ص ۲۸۰.

۲. علی امامی فر، *تاریخ‌نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم*، قم، انتشارات پارسایان، ۱۳۸۳.

۳. صائب عبدالحمید، *معجم مورخی الشیعه*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۱۴ق.

جمله نوشته‌های مفقود است، لاجرم برای استخراج اطلاعات موارد برجای مانده از کتاب ابن ابی طی، به کتاب‌هایی مانند ذهبی و صفدی مراجعه کرده است.

دامنه کتاب، بررسی و معرفی نویسندگان شیعه، اعم از امامیان، زیدیان و اسماعیلیان در محدوده زمانی قرن اول تا قرن چهاردهم است. نام مؤلفان به صورت الفبایی در کتاب تنظیم شده و شرح حال ۱۵۷۸ نویسنده شیعی در آن آمده است. اهتمام نویسنده به معرفی نویسندگان شیعی معاصر (پیش از ۱۴۰۰ق)، اهتمامی در خور تقدیر است. پایان کتاب، دو پیوست دارد: پیوست اول، فهرست نام مورخانی است که تخصصشان تاریخ بوده که در این فهرست از ۳۹۷ نفر یاد شده است. در پیوست دوم که طبقات مورخان شیعه بر اساس قرن مشخص شده است، بیشتر مورخان مربوط به قرن چهاردهم هجری است و آمارشان ۴۳۲ نفر است، پس از آن، مورخان قرن پانزدهم هجری ذکر شده که ۳۹۹ نفر می‌باشند.

نویسنده، شرح حال مورخانی را که به زبانی غیر از عربی نگارش کرده‌اند، نیاورده است. همچنین برخی نویسندگان را که دانشمندانی مانند صاحب‌الذریعه و اعیان‌الشیعه، آن‌ها را شیعی معرفی کرده‌اند، شیعه ندانسته و معتقد است ملاک ایشان برای شیعی بودن نویسندگان، ملاک عامی است که تسامح در آن، راه داشته، هر چند نویسنده خود، ملاک‌ها و معیارهای مورد نظر برای شیعه بودن را مشخص نکرده است. در همین راستا وی مورخان شیعه‌ای، مانند خصیبی و حافظ رجب برسی را که از طایفه غالیان بوده‌اند، در این مجموعه معرفی نکرده است.

منابع تحقیق

پژوهش حاضر متکی بر سه کتاب فهرست به شرح زیر است:

- ۱- فهرست‌ابن‌ندیم نوشته محمدبن اسحاق (م ۳۸۰ق) که به صورت موضوعی و دسته‌بندی، کتاب‌های نوشته شده در هر علم تا عصر مؤلف را معرفی کرده است. در مقاله پنجم این کتاب که مربوط به علم تاریخ و معرفی نویسندگان این رشته است، از اخباریان، نسابان، صاحبان احداث و آداب نیز یاد شده است.

۲- رجال نجاشی، نوشته ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (۳۷۲-۴۵۰ق). در این کتاب آثار و نوشته‌های شیعیان بررسی شده است. نجاشی بر اساس نام الفبایی مؤلفان به معرفی آثار نویسندگان شیعی پرداخته و مجموعاً شرح حال ۱۲۶۹ نفر از مؤلفان شیعی و آثارشان را آورده است.

۳- فهرست طوسی، نوشته ابوجعفر طوسی (م ۴۶۰ق). نویسنده در این کتاب از مؤلفان شیعه و آثار آن‌ها یاد کرده و مجموعاً شرح حال ۹۱۲ نفر از مؤلفان شیعی را همراه با نام کتاب‌هایشان آورده است. البته وی کتاب‌هایی که برای هر نویسنده ذکر کرده کمتر از کتاب‌هایی است که نجاشی برای همان مؤلف، گزارش کرده است. این تحقیق با جست‌وجو در عناوین کتاب‌های یاد شده در این سه فهرست، سامان یافته است. پیش از پرداختن به موضوع اصلی، چند مسئله مقدماً توضیح داده می‌شود.

اصطلاحات و واژه‌های تاریخ‌نگاری

پیش از بررسی موضوع نگارش شیعیان در حوزه تاریخ‌نگاری، لازم است اصطلاحات و واژه‌هایی که در این علم کاربرد داشته مشخص و بررسی شود تا از این طریق بتوان نوشته‌ها را دسته‌بندی و تنظیم کرد. در کتاب‌های فهرست، نوشته‌های تاریخی و نویسندگانی که در نگارش تاریخ فعال بوده‌اند، با چند واژه پیوند خورده است. این واژه‌ها عبارت‌اند از: تاریخ، اخبار، اخباری، سیره، مغازی، نسب و ایام که در زیر به موارد کاربرد این واژه‌ها و تعداد تکرار آن‌ها با توجه به عناوین کتاب‌های یاد شده در رجال نجاشی اشاره می‌شود. این موارد چنین است:

تاریخ، مؤرخ: در عنوان برخی از کتاب‌های نویسندگان شیعی این واژه آمده است. عناوین این کتاب‌ها عبارت‌اند از: تاریخ الرجال، کتاب التاریخ، تاریخ الشهور و الحوادث (که قاعداً کتابی سال شمار بوده است)، تاریخ الشریعه، تاریخ الأئمه (و گاه به صورت جمع، تواریخ الأئمه) هفت مورد؛ فی تاریخه: سه بار برای کتاب‌های احمد بن محمد بن سعید، احمد بن حسین، ابوالعباس بن سعید.

واژه مؤرخ» به معنای تاریخ نویس در رجال نجاشی موجود نیست.

اخبار، آخباری: در رجال نجاشی مجموعاً ۱۶۰ مورد واژه «اخبار» با شقوق مختلف آن در عناوین کتاب‌ها به کار رفته و در موارد قابل توجهی «اخبار» به صورت مضاف به موضوعات یا افراد اضافه شده است، مانند اخبار سلمان، اخبار الاحنف، اخبار قنبر، اخبار المختار الثقفی. گاه مضاف الیه، فردی است که شیعیان روابط مناسبی با او نداشته‌اند. در این مورد، محتوای نوشته، طبق قاعده، مثالب فرد مورد نظر است، مانند اخبار زیاد و اخبار الحجاج.

برای هشت نفر واژه «آخباری» به کار رفته است. این افراد عبارت‌اند از: اسد بن مُعلی (ص ۱۰۶)، محمد بن احمد نیمی (ص ۳۹۵)، مصبَح بن هلقام (ص ۴۲۱)، محمد بن زکریا بن دینار (ص ۳۴۶)، عبدالعزیز بن یحیی جلودی که با تعبیر «شیخ البصره و اخباریها» از او یاد شده (ص ۲۴۰)، ابومخنف لوط بن یحیی که با عنوان «شیخ اصحاب الأخبار بالكوفة» ستوده شده است (ص ۳۲۰). همچنین دو تن نیز با عنوان «عالمًا بالأخبار» ذکر شده‌اند که عبارت‌اند از: علی بن محمد بن عباس (ص ۲۶۹)، محمد بن خالد بن عبدالرحمن (ص ۳۳۵). حوزه تحقیق و فعالیت کسانی که با عنوان «آخباری» از آنان یاد شده، نزدیک به حوزه کاری مورخان کنونی بوده و این واژه با موضوع و دامنه تاریخ به معنای مصطلح امروز آن یک‌سان به نظر می‌آمده است.

مغازی: در رجال نجاشی از هشت کتاب با عنوان «مغازی» برای نویسندگان شیعی یاد شده است. این نویسندگان عبارت‌اند از: ابان بن عثمان احمر (ص ۱۳)؛ ابراهیم بن محمد بن سعید (ص ۱۶)، احمد بن محمد بن خالد (ص ۷۶)، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (ص ۲۶۰)؛ عماره بن زید (ص ۳۰۳)؛ ابومخنف (ص ۳۲۰)، محمد بن ابی عمیر (ص ۳۲۶) و هارون بن مسلم (ص ۴۳۸).

تعبیر «عالم به مغازی» در هیچ موردی به کار نرفته است.

سیره: کتاب‌های نوشته شده در باره رسول خدا ﷺ، ۵۱ مورد است، هر چند در عنوان نوشته‌ها واژه سیره به کار نرفته است. در دو عنوان از کتاب‌های ابراهیم ثقفی واژه سیره به کار رفته است (ص ۱۷)، اما مشخص نیست که این دو عنوان به زندگانی رسول خدا ﷺ اختصاص



داشته باشند، چنان که کتابی با عنوان کتاب سیره النبی و الائمة فی المشرکین (ص ۶۸) علی القاعده بخش‌هایی از سیره و رفتار رسول خدا را در نظر داشته است. واژه «سیر» که جمع سیره است در سه مورد به شرح زیر آمده است: «کان الغالب علیه علم السیر و الآداب» (ص ۶۵) در باره حسین بن محمد بن علی ازدی؛ «کان عالماً بالأخبار و الشعر و النسب و الآثار و السیر» (ص ۲۶۹) در باره علی بن محمد بن عباس بن فُسانجُس، هم‌چنین بخشی از کتاب‌های محمد بن احمد بن جنید اسکافی با عنوان «کتاب السیر» یاد شده است (ص ۳۸۵). با توجه به عناوین کتاب‌هایی مانند کتاب الجهاد، کتاب الأنفال، کتاب الغنائم، کتاب الهدنه و... که ذیل عنوان «السیر» مذکور است، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از واژه «سیر» در این مورد، سیره رسول خدا ﷺ نبوده، بلکه احکام عملی و رفتاری، به‌ویژه آن‌چه به جنگ مربوط بوده، در این دسته‌بندی آمده است. احتمالاً بعدها واژه سیره به نوشته‌هایی در باره رسول خدا ﷺ انصراف یافته است.

النسب، الناسب: دوازده کتاب با عنوان «نسب» برای نویسندگان شیعی یاد شده که چندین عنوان آن نوشته هشام کلبی است. این موارد عبارت‌اند از: کتاب انساب الائمة (ص ۵۷)؛ انساب بنی نصر بن قعین و ایامهم (ص ۱۰۱)؛ انساب الأمم (ص ۴۳۴)؛ کتاب بجلیله و انسابها و اخبارها (ص ۳۳۳)؛ کتاب خنعم و انسابها و اشعارها (ص ۴۳۳)؛ اخبار تنوخ و انسابها (ص ۴۳۴)؛ کتاب اخبار بنی عجل و انسابهم (ص ۴۳۴)؛ نسب النبی، نوشته جلودی (ص ۲۴۰)، نسب آل ابی طالب، نوشته یحیی بن حسین بن جعفر (ص ۴۴۱)، کتاب الأنساب، نوشته احمد بن خالد برقی (ص ۷۶)، کتاب نسب ولد معد، نوشته علی بن محمد عدوی (ص ۲۶۳) و چند عنوان دیگر که نویسنده آن‌ها هشام کلبی است.

در دو مورد نیز اصطلاح «عالم به نسب» به کار رفته است. این دو مورد عبارت‌اند از: محمد بن حسن محاربی: «من أصحابنا ... عالماً ببواطن أنسابهم» (ص ۳۵۰)؛ علی بن محمد بن عباس: «... کان عالماً بالأخبار و الشعر و النسب و الآثار و السیر و کان مجرداً فی مذهب الإمامیه» (ص ۲۶۹).

برای دو تن نیز واژه «الناسب» به کار رفته که از تبحر آن‌ها در این علم حکایت می‌کند.

این دونفر عبارت‌اند از: هشام کلبی (ص ۴۳۴) و محمد بن عبده (ص ۲۲۲، ۲۹۸ و ۳۳۳).
ایام: در عنوان سه کتاب، واژه «ایام» به کار رفته است: کتاب انساب بنی نصر بن قعین و ایامهم و اشعارهم، نوشته احمد بن علی بن احمد (ص ۱۰۱)؛ کتاب نسب ولد معد بن عدنان و لمع من اخبارهم و ایامهم، نوشته علی بن محمد شمشاطی (ص ۲۶۴) و کتاب اخبار بنی تغلب و ایامهم و انسابهم، نوشته هشام کلبی (ص ۴۳۴).

برای دو تن نیز تعبیر «عالم به ایام» به کار رفته است: یکی هشام کلبی که با عنوان «العالم بالأیام» از او یاد شده (ص ۴۳۴) و درباره ابان بن عثمان احمر گفته شده: «... اکثروا الحکایة عنه فی أخبار الشعراء و النسب و الأیام» (ص ۱۳).

مقتل: بیش از سی کتاب در رجال نجاشی با عنوان «مقتل» یافت می‌شود. همه این موارد به نام افراد (مانند الحسین علیه السلام، علی علیه السلام، عثمان، حجر و...) اضافه شده است. نجاشی در یک مورد از کتاب المقتل به صورت مطلق یاد می‌کند که نویسنده‌اش محمد بن ابراهیم شافعی است (ص ۳۷۲). این واژه به صورت جمع نیز تنها در عنوان کتاب مقاتل الطالبیین نوشته محمد بن علی بن حمزه به کار رفته است (ص ۳۴۸). هیچ واژه‌ای که نشان دهد نویسنده‌ای در نوشتن مقتل تخصص داشته و زمینه کاری وی مقتل نویسی بوده است در رجال نجاشی وجود ندارد. استفاده از تعابیر یاد شده به نگارش‌های شیعی یا مصنفان آن‌ها اختصاص نداشته، بلکه به صورت مشترک برای نویسندگان سنی نیز که در این رشته فعال بودند به کار رفته است.

حوزه‌های تاریخ‌نگاری شیعیان

شیعیان برای نوشتن تاریخ، حساسیت‌های خاص خود را داشته و در موضوعاتی که برای ایشان مهم بوده، دست به نگارش زده‌اند. کوفه و برخی از شخصیت‌های صدر اسلام، مانند ابوطالب، از جمله محورهایی است که شیعیان به آن عنایت داشته و کتاب‌هایی تدوین کرده‌اند. چنان‌که به حوادث سده اول هجری، مانند جمل، صفین، نهروان و صلح امام حسن علیه السلام که در ارتباط با ائمه علیهم السلام بوده نیز پرداخته‌اند. برخی مورخان شیعه که تحقیقات تاریخی به صورت گسترده در دستور کار آنان بوده است (اخباریان)، سراغ بیشتر موضوعات



تاریخی رفته و میدان تحقیق این گروه تنها موضوعات مورد عنایت شیعه نبوده است. آثار ابراهیم ثقفی و دیگران که مورخان شناخته شده‌ای بوده و در باره اکثر حوادث مهم دو قرن اول هجری رساله‌هایی را تدوین کرده بودند را می‌توان از این دست‌نگارش‌ها دانست. البته در این میان به بعضی از موضوعات که مورد توجه شیعیان بوده بیشتر پرداخته شده است. این موضوعات و تعداد کتاب‌هایی که در باره آن نوشته شده بر اساس گزارش سه کتاب فهرست، در زیر آمده است. طبیعی است گستره زمانی این نگارش‌ها مربوط به چهار قرن اول هجری است، زیرا مبنای تحقیق، سه کتاب فهرست است که هر سه در قرن چهارم و پنجم گردآوری شده‌اند. این موارد به شرح زیر است:

فدک: هفت کتاب در این زمینه نوشته شده است. در این موضوع، شیعیان رغبت بیشتری برای تدوین کتاب داشته‌اند هر چند تنها حوزه مورد نظر آنان نبوده است. نویسندگان این کتاب‌ها عبارت‌اند: ابراهیم ثقفی (ص ۱۶)، حسن بن علی اطروش (ص ۵۸)؛ طاهر غلام ابوالجیش (ص ۲۰۸)؛ عبیدالله بن ابی زید انباری (ص ۲۳۲)، عبدالرحمن بن کثیر هاشمی (ص ۲۳۵)، مظفر بن محمد بلخی (ص ۴۲۲)؛ یحیی بن زکریا نرمائیری (ص ۴۴۳).

غدير: پنج کتاب درباره غدیر از سوی نویسندگان شیعی نوشته شده است: کتاب *يوم الغدير*، طرق حدیث الغدير، طرق خبر يوم الغدير، و دو مورد با عنوان *صلاة الغدير*.

به نظر می‌رسد هیچ یک از عناوین فوق، تاریخی نیست، بلکه بیشتر حدیثی است و زوایای تاریخی واقعه غدیر در آن‌ها بحث نشده است. هم‌چنین از سوی نویسندگان سنی، مانند طبری نیز در باره این موضوع، نوشته‌های حدیثی تدوین شده است. به طور کلی موضوع غدیر در قرن‌های اول هر چند مورد توجه بیشتر شیعیان بوده و در این زمینه تألیفاتی به انجام رسانده‌اند، اما اهل سنت نیز از نگاه حدیث‌شناسی به آن توجه داشته و در این زمینه، کتاب‌هایی نگاشته‌اند.^۱

۱. مجموع کتاب‌هایی که در باره غدیر تا قرن حاضر نوشته شده ۱۶۵ کتاب است که در *الغدير فی التراث الاسلامی* نوشته سید عبدالعزیز طباطبایی گردآوری شده است. ۸۳ عنوان از این نوشته‌ها به زبان عربی، ۶۱ عنوان به زبان فارسی و ۲۱ عنوان به زبان اردو است. تقسیم‌بندی این کتاب‌ها براساس قرن به شرح زیر است:

سقیفه: شش کتاب با عنوان سقیفه از سوی شیعیان نوشته شده است. نویسندگان این کتاب‌ها عبارت‌اند از: ابراهیم بن محمد بن سعید (رجال نجاشی، ص ۱۶)؛ ابومخنف (ص ۳۲۰)؛ محمد بن هارون وراق (ص ۳۷۲)؛ احمد بن ابراهیم بن ابی‌رافع (ص ۸۴)؛ احمد بن عبدالعزیز جوهری (فهرست طوسی، ص ۳۶)؛ ابان بن عثمان احمر که عنوان کتابش المبتدأ والمبعث و المغازی والوفاء و السقیفه و الرده بوده است (ص ۱۸).

نویسندگان سنی هر چند در بحث خلافت و بیعت با ابوبکر به این موضوع می‌پردازند، اما با عنوان «سقیفه» نگارش قابل توجهی نداشته‌اند. ابن‌نذیم تنها برای واقدی کتابی به نام سقیفه و بیعت ابوبکر (ص ۱۶۵) ذکر می‌کند.

شورا: از شش کتاب در خصوص شورای شش نفره عمر و انتخاب عثمان برای خلافت یاد شده است.

جمل: سیزده کتاب درباره این موضوع نوشته شده است. نویسندگان شیعه و سنی هر دو در باره این واقعه، قلم زده‌اند. البته بیشتر این نوشته‌ها از سوی اخباریان است. صفین: یازده کتاب. در این موضوع نیز نویسندگان شیعی و سنی هر دو کتاب نوشته‌اند. یکی از نویسندگان سنی که در باره صفین کتاب نوشته، عبدالله بن محمد بن ابوشیبہ است (فهرست ابن‌نذیم، ص ۴۱۷).

حکیمت: از هفت کتاب، در خصوص ماجرای تحکیم در صفین یاد شده است.

نهروان: هشت کتاب. در این مورد نیز نویسندگان سنی و شیعه هر دو کتاب نوشته‌اند.

→ قرن اول: کتابی تألیف نشده است. قرن دوم: ۱ اثر از خلیل بن احمد فراهیدی، قرن سوم: ۲ اثر، قرن چهارم: ۱۰ کتاب. این قرن، قرن شکوفایی و رشد مذهب تشیع است، از جمله کتاب‌های نوشته شده در این قرن، کتاب طبری است، قرن پنجم: ۱۵ اثر، قرن ششم تا دهم: در هر قرن ۱ تا ۲ اثر. این قرن‌ها که مصادف با حمله غزها به خراسان و اشغال کشورهای اسلامی توسط مغولان و نیز جنگ‌های صلیبی بوده، نگارش‌های مربوط به غدیر همانند دیگر عرصه‌ها چون علوم و هنر دچار وقفه و پسرفت شده است، قرن یازدهم تا سیزده: ۱۳ اثر. این قرن‌ها مصادف با ظهور دولت صفوی و نفوذ دوباره تشیع است، قرن چهاردهم: ۷۲ اثر. شبه قاره هند در این دوره در نوشتن نگارش‌های غدیر پیشگام است. ۱۸ اثر در این دوره از شیعیان هندی است. قرن پانزدهم: ۱۵ اثر.

این فهرست به خوبی روشن می‌سازد که نگارش کتاب در موضوعات خاص، تابع زمانه بوده و در قرن‌هایی که دولت‌های متمایل به شیعه بر سر کار آمده‌اند، به صورت طبیعی، نگارش‌ها در باره موضوعات مربوط به شیعه و تشیع افزایش یافته است.



غارات: هفت کتاب. البته کتاب‌های نوشته شده در این زمینه بیشتر از سوی نویسندگان شیعی است، هر چند این موضوع به طور کلی از نگاه نویسندگان سنی مخفی نمانده است. نویسندگان شیعی این کتاب‌ها عبارت‌اند از: ابراهیم بن محمد ثقفی (رجال نجاشی، ص ۱۶)؛ احمد بن محمد بن سیار (ص ۸۰)؛ عبدالعزیز بن یحیی (ص ۲۴۰)؛ ابومخنف (ص ۳۲۰)؛ منذر بن محمد بن منذر (ص ۴۱۸)؛ نصر بن مزاحم منقری (ص ۴۲۷) و هشام کلبی (ص ۴۳۴). هم‌چنین این‌ندیم دو کتاب با نام الغارات برای نویسندگانی سنی معرفی می‌کند که نویسنده یکی از آن‌ها ابوعبیده معمر بن مثنی (ص ۹۳) و دیگری مدائنی است (ص ۱۷۰).

مقتل علی علیه السلام: هفت کتاب.

صلح حسن علیه السلام: دو کتاب.

مقتل حسین علیه السلام: چهارده کتاب.

در مورد موضوعات یاد شده در بالا که حوادث عمده دوران امام علی علیه السلام و ادوار بعد است، نویسندگان بسیاری، اعم از شیعه و سنی کتاب نوشته‌اند. به‌طور کلی تألیف در این موضوعات به نویسندگان شیعی اختصاص نداشته، بلکه بر اساس سنت تاریخ‌نویسی آن دوره، مورخانی که حیطه تحقیق آن‌ها یک دوره عمومی از تاریخ حوادث صدر اسلام بود در باره تک تک حوادث این دوره، رساله‌های کوچکی تدوین می‌کردند، لذا این موضوع با تقسیم‌بندی‌های مذهبی قابل تحلیل نیست، چنان‌که مدائنی در باره بیشتر این موضوعات دست به تألیف زده است.

کتاب الغیبه: از ۳۳ کتاب در خصوص این موضوع، یاد شده که بیشترین تکرار را داشته و به احتمال زیاد محتوای بیشتر آن‌ها کلامی است. در این زمینه نیز شیعیان بیشتر دست به قلم برده و کتاب تدوین کرده‌اند. سه کتاب مشهور باقی مانده در این باره عبارت‌اند از: الغیبه نعمانی، کمال‌الدین صدوق و الغیبه طوسی.

ابوطالب: چهار کتاب در باره ابوطالب و چندین کتاب در باره آل ابوطالب و به‌طور خاص، پنج کتاب در باره ایمان ابوطالب از سوی شیعیان نگارش شده است. عناوین کتاب‌ها چنین است: کتاب فی عبدالمطلب و ابی‌طالب، نوشته شیخ صدوق (رجال نجاشی، ص ۳۹۰)؛ فصاحه

ابی طالب، نوشته حسن بن علی اطروش (ص ۵۷) که نجاشی در باره نویسنده آن گوید: «کان یعتقد الامامه»؛ فضل ابی طالب، نوشته سعد اشعری (ص ۱۷۷)؛ شعربی طالب، نوشته عبدالله بن احمد از بنو مهزم (ص ۲۱۸) که نجاشی با تعبیر «مشهور فی اصحابنا و له شعر فی المذهب» از نویسنده آن یاد کرده است؛ ایمان ابی طالب (ص ۸۷، ۹۵ دو مورد، ۱۸۶ و ۲۶۵).

تألیف در زمینه ایمان ابوطالب و اخبار و گزارش‌های مربوط به او، جزو نگارش‌هایی بوده است که اختصاصاً شیعیان به آن اهتمام داشته‌اند. این نگارش‌ها به نوعی برایند منازعات مذهبی آن ادوار می‌باشد.

خدیجه: دو کتاب.

فاطمه زهرا علیها السلام: هفت کتاب.

ائمه اطهار علیهم السلام: کتاب‌هایی که درباره ائمه تدوین شده ۳۸ مورد است با عناوینی، مانند: تواریخ الأئمه، انساب الأئمه، سیره الأئمه، عدد الأئمه، موالید الأئمه، ما قبل فی الأئمه من الشعر، دلائل الأئمه، ادعیه الأئمه، تنزیه الأنبیاء و الأئمه، وصایا الأئمه، مجالس الأئمه، اسماء الأئمه و رسائل الأئمه.

در حوزه نگارش‌های مربوط به زندگانی ائمه علیهم السلام نیز به حسب قاعده، شیعیان پیش‌گام بوده‌اند. هر چند در باره حوادث مربوط به سه امام اول (امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام) که در گردونه حوادث تاریخی قرار داشتند در منابع اولیه اهل سنت، اعم از کتاب‌های تاریخی، حدیثی و شرح حال نگاری، اطلاعات قابل توجهی یافت می‌شود. تألیف اختصاصی در باره ائمه علیهم السلام هر چند از سوی شیعیان و با جهت‌گیری‌های کلامی آغاز شد، اما اهل سنت نیز در قرن‌های بعد کتاب‌های قابل توجهی تدوین کرده‌اند. محبت و ارادت به اهل بیت علیهم السلام و این که آن بزرگواران نوادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده‌اند، انگیزه تألیف عالمان اهل سنت در باره ایشان بوده است. این کتاب‌ها گاه در بردارنده مطالبی در حق ائمه است که حتی در کتاب‌های نوشته شده توسط شیعیان نیز یافت نمی‌شود. به‌طور کلی این نویسندگان در جمع میان فضایل خلفای نخست و ائمه شیعه علیهم السلام هیچ منعی نمی‌دیدند، چنان‌که ابن طولون در کتاب الشذرات الذهبیه خود که به منظور شرح حال ائمه نوشته است، در ابتدای

کتاب بر خلفای چهارگانه درود می‌فرستد و آن‌گاه از امامان شیعه یاد می‌کند. این روند از قرن پنجم آغاز شد، در قرن ششم تقویت شد و در قرن هفتم به اوج خود رسید. موضوعات تاریخی دیگری نیز که شیعیان در کنار نویسندگان اهل سنت به آن توجه کرده‌اند عبارت‌اند از:

زندگانی رسول خدا ﷺ: نجاشی از ۵۱ کتاب در این زمینه یاد کرده که در چهار قرن اول هجری از سوی نویسندگان شیعی تدوین شده است. برخی از این نوشته‌ها شامل تمام زندگی رسول خدا و برخی شامل مقاطعی از زندگی آن حضرت است. تعداد قابل توجهی از این کتاب‌ها - چنان‌که از عناوین آن‌ها پیداست - به شیوه تاریخی به بررسی زندگانی آن حضرت پرداخته، بلکه کتاب جنبه حدیثی و مذهبی داشته است، مانند کتاب‌های: *الاحتجاج لنبوة النبی*، *خصائص النبی*، *دلائل النبی*، *فضل النبی* و *مجازات النبی*. برخی از کتاب‌ها، به‌ویژه کتاب‌هایی که با عنوان مغازی تدوین شده، به‌طور معمول به اخبار تاریخی مربوط به جنگ‌های آن دوره پرداخته که تعداد آن‌ها حدود ده کتاب است. کتاب *الرده*: ۵ مورد.

فتوح: در این باره از هفت کتاب یاد شده که همه آن‌ها نوشته ابومخنف و کلبی است. این حوزه، بیشتر مورد علاقه مورخان با گرایش‌های سنی بوده است و از مسائل مرتبط با خلافت و از افتخارات خلفای اول محسوب می‌شود. بنابراین، تنها نویسندگانی از جریان تشیع در این زمینه به نگارش دست زده‌اند که اخباری بوده و مسائل مربوط به خلافت نیز در حوزه کاری ایشان بوده است.

مناقب: دوازده مورد.

مثالب: مجموعاً بیست مورد که هشت مورد آن در باره مثالب قبایل است.

انساب: هفده مورد که مربوط به نسب قبایل و افراد است.

به نظر می‌رسد جز برخی از موضوعات که مورد علاقه انحصاری شیعیان بوده و اختصاصاً در آن زمینه، کتاب تألیف کرده‌اند، مانند ایمان ابوطالب یا غیبت امام دوازدهم و زندگانی

ائمۀ اطهر علیهم السلام در دیگر عرصه‌ها و موضوعات مورد توجه شیعه، گرایش‌های مذهبی چندان دخیل نبوده است، زیرا در موضوعاتی مانند جمل، صفین، نهروان و قیام‌های دیگری که با تاریخ شیعه پیوند داشته است، هر چند به نظر می‌رسد شیعیان اهتمام بیشتری داشته‌اند، اما نویسندگان سنی نیز در همان زمینه به میزانی کمتر یا برابر، دست به تألیف زده‌اند، زیرا به عنوان یکی از حوادث عمومی تاریخ اسلام و خلافت اسلامی که حوزه مورد علاقه اخباریان و تاریخ‌نویسان با گرایش‌های مذهبی مختلف بوده است به شمار می‌آید.

هم‌چنین می‌توان نتیجه گرفت بیشترین نوشته‌ها در مورد برخی از شخصیت‌های مورد احترام شیعه، مانند حضرت خدیجه - که مادر فاطمه زهرا علیها السلام است - و ائمه اطهار علیهم السلام از آن شیعیان بوده است. در همین راستا به برخی از امامان شیعه توجه و عنایت بیشتری شده و کتاب‌های بسیاری در باره آن‌ها تدوین شده است. برای نمونه، تعداد کتاب‌هایی که شیعیان در زمینه زندگانی امام علی علیه السلام نوشته‌اند. ۱۱۸ عنوان است که این تعداد بیش از دو برابر کتاب‌هایی است که در باره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از سوی ایشان نوشته شده است.

عبدالعزیز بن یحیی جلودی، مورخ ناشناخته شیعی (م ۳۳۲ ق)

وی از جمله مورخان با تمایلات شیعی است که پس از نویسندگان بزرگی، مانند ابومخنف (م ۱۵۷ ق)، هشام کلبی (م ۲۰۴ ق) در باره بیشتر حوادث و موضوعات تاریخی دو قرن اول هجری نگاشته‌هایی داشته است. ابو مخنف و هشام، چهره‌های شناخته شده‌ای بوده و اقوال و روایات آن‌ها در بیشتر کتاب‌های تاریخی یافت می‌شود. چهار کتاب از هشام کلبی (الاصنام، جمهرة النسب، نسب معد و الیمن الکبیر و مثالب العرب) چاپ شده است. از ابومخنف نیز علاوه بر مقتل وی که با عنوان وقعة اللطف بازسازی شده، کتاب دیگری با عنوان نصوص من مرویات ابی مخنف در دو جلد، گزارش‌های تاریخی وی را گرد آورده است. در این میان، عبدالعزیز بن یحیی جلودی کمتر شناخته شده و لازم است بیشتر معرفی شود.

نسب وی بدین گونه گفته شده: عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی از دی بصری، با کنیه ابو احمد. کنیه ابو محمد که در برخی از نسخه‌های فهرست شیخ طوسی برای



وی نوشته شده، صحیح نیست و تصحیف است.

درباره نسبت «جلودی» گفته شده در صورتی که برای انتساب به مکان و منطقه به کار رود، باید به فتح جیم قرائت شود؛ یعنی «جَلودی»، اما چنانچه صاحب این نسبت، دست‌اندرکار فروش پوست بوده و به همین دلیل به او نسبت جلودی داده شده، می‌بایست برای او «جَلودی» به ضم جیم به کار رود.^۱ ابن قتیبه، جلودی را به فتح جیم دانسته و گوید که منسوب به این نسبت به «جَلود» که روستایی در افریقیه است منتسب شده است.^۲ سمعانی این نسبت را به ضم جیم آورده و تفاوتی میان منسوب به مکان و منسوب به فروش پوست نداده، لذا با اعتراض ابن اثیر روبه‌رو شده است.^۳ ابن اثیر گوید: منسوب به مکان باید به فتح جیم قرائت شود، چنان‌که ابو احمد محمد بن عیسی جلودی چنین است.^۴

در خصوص موقعیت جغرافیایی جلود (به معنای مکان) اختلاف نظر است. نجاشی گوید: جلود روستایی در دریا^۵ که احتمالاً منظور از دریا، بحر احمر است) می‌باشد. هر چند برخی جلود را شاخه‌ای از قبیله ازد دانسته‌اند، اما نجاشی گفته است که قول دوم نزد نسب‌شناسان شناخته نیست.^۶ این سخن در کتاب‌های بعدی رجال تکرار شده است.^۷ یاقوت نیز در مدخل جلود، ابتدا جلود را روستایی از افریقیه معرفی کرده که سردار نظامی عصر مأمون، عیسی بن یزید جلودی (که همراه عبدالله بن طاهر در خدمت عباسیان بود و برای مدتی کارگزاری مصر را برعهده داشت) از آن‌جا برخاسته است. یاقوت پس از این، جلود را قریه‌ای شناخته شده در شام (نه افریقیه) دانسته و همین را نظر درست دانسته است.^۸ قاموس، جلود (بر وزن قبول) را روستایی در اندلس دانسته است.^۹

۱. تستری، قاموس الرجال، ج ۶، ص ۱۸۸.

۲. ابن قتیبه دینوری، ادب الکاتب، ص ۴۲۷.

۳. سمعانی، الأنساب، ج ۳، ص ۳۰۷.

۴. ابن اثیر، اللباب فی تهذیب الأنساب، ج ۱، ص ۱۹۵.

۵. «قریة فی البحر» (نجاشی، همان، ص ۲۴۰).

۶. همان.

۷. ر.ک: علامه حلی، رجال، ص ۱۱۶ و ابن داود حلی، رجال، ص ۲۲۵.

۸. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۵۶.

۹. تستری، قاموس الرجال، ج ۶، ص ۱۸۸.

در هر صورت، نسبت عبدالعزیز بن یحیی جلودی (به فتح جیم و ضم لام) است،^۱ نه آن چنان که علامه حلی قرائت کرده و آن را به فتح جیم و لام ساکنه و واو مفتوحه (جلودی) دانسته است.^۲ اما ابن داود این قرائت را صحیح ندانسته و قرائت اول را درست دانسته و تصریح کرده که «جلودی» بر وزن «عروضی» است.^۳ عبدالعزیز بن یحیی، مشهور به جلودی است و به همین نسبت شناخته می‌شود، چنان‌که مجلسی در برابر نسبت «جلودی» نام وی را گذاشته است^۴ و این نشانه انصراف آن نسبت به عبدالعزیز بن یحیی است.

جد عبدالعزیز بن یحیی، عیسی جلودی است که از اصحاب ابوجعفر، امام جواد علیه السلام دانسته شده،^۵ اما این که عیسی بن یزید جلودی که شاغل در دربار عباسیان بود، جد فرد مورد نظر ما باشد، مشخص نیست. البته با توجه به گزارش‌هایی که از مواضع وی علیه شیعیان و علویان شده، یکی نبودن این دو، تأیید می‌شود.

تستری می‌گوید که در این زمینه، اشتباهاتی پیش آمده است: اول، این‌که برخی گمان کرده‌اند ابوجعفر یاد شده در سطور پیش، امام باقر علیه السلام است نه امام جواد علیه السلام و حال آن‌که این صحیح نیست و جلودی (جد عبدالعزیز بن یحیی نه خودش)، هم عصر امام جواد بوده است نه امام باقر. دیگر این‌که برخی این هم عصر بودن را برای خود عبدالعزیز بن یحیی دانسته‌اند که به هیچ عنوان نمی‌تواند درست باشد.^۶

شیخ طوسی وی را امامی مذهب معرفی کرده^۷ و ابن ندیم با توصیف بلند «من اکابر الشیعة الامامیه» که راوی آثار و سیر بود، از او یاد کرده است.^۸

در کتاب‌های تفسیری اهل سنت از فردی با نام عبدالعزیز بن یحیی کنانی نام برده شده که فردی غیر از عبدالعزیز بن یحیی جلودی است.

۱. ابن داود حلی، همان، ص ۲۱.

۲. علامه حلی، رجال، ص ۱۷ و ۱۱۶.

۳. ابن داود حلی، همان، ص ۲۲۵.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۵۷.

۵. علامه حلی، رجال، ص ۱۱۶.

۶. تستری، همان، ج ۶، ص ۱۸۸ و نیز ر. ک: خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۴۳.

۷. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۰.

۸. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۴۶.

جلودی در سال ۳۳۲ق درگذشت.^۱ تاریخ درگذشت او در محاسبة النفس ابن طاووس، سال ۳۰۲ق آمده است، اما آقا بزرگ یادآور شده که این اشتباه به دلیل سقط کلمه «ثلاثین» پیش آمده است.^۲ و بنابراین، صحیح آن، ۳۳۲ق است.

فعالیت حدیثی: جلودی علاوه بر تاریخ، در حوزه علم حدیث نیز فعال بوده و در طریق روایت احادیث قابل توجهی قرار گرفته است، چنان که ابن ابی جمهور احسائی وی را در سلسله اسنادی ذکر می کند که این سلسله به رسول خدا ﷺ می رسد:

و هنا طریق آخر و هو أن الشيخ محمد بن نما يروي عن الشيخ أبي الفرج علي بن الشيخ قطب الدين أبي الحسين [أبي الحسن] الراوندي عن أبيه عن السيد المرتضى ابن الداعي عن جعفر الدورستي عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه قال حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق عن عبد العزيز بن يحيى عن محمد بن زكريا عن محمد بن عمار عن أبيه عن محمد بن السائب عن الصادق عليه السلام عن الباقر عليه السلام عن زين العابدين عليه السلام عن أبيه الحسين الشهيد عليه السلام عن أبيه أمير المؤمنين عليه السلام عن رسول رب العالمين ﷺ عن جبرئيل عليه السلام عن رب العزة سبحانه و تعالى عما يقول الظالمون علوا كبيرا. فبهذه الطرق و بما اشتملت عليه من الأسانيد المتصلة المعنونة الصحيحة الإسناد المشهورة.^۳

با این حال، از او هیچ روایتی در کتب اربعه شیعه (کافی، تهذیب، استبصار و من لا یحضره الفقیه) نیامده است، زیرا بیشتر کتاب های وی تاریخی یا مربوط به فضایل بوده و این حوزه در دستور کار مؤلفان کتب اربعه نبوده است. کلینی (م ۳۲۹ق) نیز که به اختصار، گزارش هایی تاریخی از ائمه علیهم السلام دارد، با جلودی (م ۳۳۲ق) معاصر بوده و به احتمال به کتاب های او دسترسی نداشته است، هر چند پرهیز از کتاب های تاریخی و روی آوردن صرف به حدیث و فقه می توانسته عامل عدم مراجعه او به کتاب های جلودی بوده باشد.

۱. علامه حلی، ایضاح الاشتباه، ص ۲۴۴.

۲. آقابزرگ، الذریعه، ج ۱، ص ۳۱۳ و نیز ر.ک: گلبرگ، همان، ص ۳۴۹.

۳. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۱۱.

فعالیت تاریخی: از او با عنوان «شیخ البصره و اخباریها» یاد شده است.^۱ شیخ طوسی گفته است که وی در زمینه سیر، اخبار و فقه کتاب‌هایی داشت.^۲ ابن داود گفته است که «له کتب کثیره».^۳ به هر حال با توجه به کتاب‌هایی که نجاشی برای جلودی شمرده، آشکار است که او از جمله اخباریان و مورخانی بوده که درباره حوادث تاریخی، قلم فرسایی کرده و کتاب‌هایی نوشته‌اند.

کتاب‌ها: بیشترین کتاب را نجاشی برای وی شمرده است. کتاب‌هایی که نجاشی برای وی شمرده، ۱۹۹ عنوان است^۴ که با مراجعه به منابع دیگر می‌توان سه مورد بدان افزود. بنابراین، تعداد کتاب‌های وی ۲۰۲ عنوان است که در پیوست ۱ آمده است.

کتاب‌های تاریخی: از مجموع ۲۰۲ عنوان کتاب وی، ۱۲۴ عنوان آن مربوط به حوادث و موضوعات تاریخی است و از این میان نیز در عناوین ۵۷ مورد آن، واژه «اخبار» به کار رفته است. کتاب‌های تاریخی جلودی را می‌توان تحت عناوین زیر دسته‌بندی کرد:

سیره نبوی، ۵ مورد؛ تاریخ امام علی (ع)، ۱۶ مورد؛ اخبار خلفا، ۱۰ مورد؛ تاریخ اهل بیت (ع)، ۷ مورد؛ قبایل و امم، ۹ مورد؛ طبقات، ۴ مورد؛ تراجم و سیر، ۳۸ مورد و حوادث و اخبار تاریخی، ۴ مورد.

فهرست کتاب‌های تاریخی وی به شرح زیر است:

- | | |
|------------------|--------------------|
| ۱- کتاب الجمل؛ | ۶- کتاب صفین؛ |
| ۲- کتاب الحکمین؛ | ۷- کتاب الغارات؛ |
| ۳- کتاب الخوارج؛ | ۸- کتاب بنی ناجیه؛ |
| ۴- کتاب الجمل؛ | ۹- کتاب صفین؛ |
| ۵- کتاب الحکمین؛ | ۱۰- کتاب الغارات؛ |

۱. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۰.

۳. ابن داود حلی، همان، ص ۲۲۵.

۴. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

- ۱۱- کتاب بنی ناجیه؛
۱۲- کتاب حروب علیؑ؛
۱۳- کتاب ما نزل فی الخمسه؛
۱۴- کتاب الخوارج؛
۱۵- کتاب الفضائل؛
۱۶- کتاب نسب النبی ﷺ؛
۱۷- کتاب تزویج فاطمهؑ؛
۱۸- کتاب ذکر علی فی حروب النبی ﷺ؛
۱۹- کتاب محب علی و من ذکره بخیر؛
۲۰- کتاب من احب علیاً و ابغضه؛
۲۱- کتاب ضعائن فی صدور قوم؛
۲۲- کتاب من سبه من الخلفاء؛
۲۳- کتاب الکناية عن سب علیؑ؛
۲۴- کتاب ما نزل فيه (علی) من القرآن؛
۲۵- کتاب خطبهؑ؛
۲۶- کتاب شعرهؑ؛
۲۷- کتاب خلافتهؑ؛
۲۸- کتاب عماله و ولاتهؑ؛
۲۹- کتاب قولهؑ فی الشوری؛
۳۰- کتاب ما کان بین علیؑ و عثمان من الکلام؛
۳۱- کتاب مال الشیعة بعد علیؑ؛
۳۲- کتاب ذکر الشیعة و من ذکر هم...؛
۳۳- کتاب قضاء علیؑ؛
۳۴- کتاب رسائل علیؑ؛
۳۵- کتاب من روی عنه من الصحابه؛
۳۶- کتاب ذکر کلامهؑ فی الملاحم؛
۳۷- کتاب ما قيل فيه من شعر و من مدح؛
۳۸- کتاب مقتلهؑ؛
۳۹- کتاب علمهؑ؛
۴۰- کتاب قسمهؑ؛
۴۱- کتاب اللباس عنهؑ؛
۴۲- کتاب الشراب و صفته و ذکر شرابه؛
۴۳- کتاب ذکر خدیجة و فضل أهل البيتؑ؛
۴۴- کتاب ذکر فاطمةؑ أبابکر؛
۴۵- کتاب ذکر الحسن و الحسینؑ؛
۴۶- کتاب فی أمر الحسنؑ؛
۴۷- کتاب ذکر الحسینؑ؛
۴۸- کتاب مقتل الحسینؑ؛
۴۹- أخبار التوابین و عین الوردۃ أخبار المختار...؛
۵۰- أخبار علی بن الحسینؑ؛
۵۱- کتاب أخبار أبی جعفر محمد بن علیؑ؛
۵۲- کتاب أخبار المهديؑ؛
۵۳- کتاب أخبار زید بن علیؑ؛
۵۴- کتاب أخبار عمر بن عبدالعزیز؛
۵۵- کتاب أخبار محمد ابن حنفیهؑ [؛
۵۶- کتاب أخبار العباس؛
۵۷- کتاب أخبار جعفر بن أبی طالب؛

۸۲- کتاب أخبار ابی نواس؛

۸۳- کتاب أخبار المدینین؛

۸۴- کتاب أخبار العجاج؛

۸۵- کتاب أخبار رؤبة بن العجاج؛

۸۶- کتاب أخبار أبی بکر و عمر؛

۸۷- کتاب من أوصی بشعر جمعه؛

۸۸- کتاب من قال شعرا فی وصيته؛

۸۹- کتاب خطب النبی ﷺ؛

۹۰- کتاب خطب أبی بکر؛

۹۱- کتاب خطب عمر؛

۹۲- کتاب خطب عثمان بن عفان؛

۹۳- کتاب کتب النبی ﷺ؛

۹۴- کتاب رسائل أبی بکر؛

۹۵- کتاب رسائل عمر؛

۹۶- کتاب رسائل عثمان؛

۹۷- کتاب قطائع النبی ﷺ؛

۹۸- کتاب قطائع أبی بکر و عمر و

عثمان؛

۹۹- کتاب أخبار الاحنف؛

۱۰۰- کتاب زیاد؛

۱۰۱- کتاب أخبار الوفود علی النبی و أبی

بکر و...؛

۱۰۲- کتاب أخبار الفرس؛

۱۰۳- کتاب أخبار أبی داود؛

۱۰۴- کتاب مقتل محمد بن أبی بکر؛

۱۰۵- کتاب أخبار قنبر؛

۵۸- کتاب أخبار امّ هانی؛

۵۹- کتاب أخبار عبدالله بن جعفر؛

۶۰- کتاب أخبار الحسن بن أبی الحسن؛

۶۱- کتاب أخبار عبدالله بن الحسن بن

الحسن؛

۶۲- کتاب أخبار محمد بن عبدالله؛

۶۳- کتاب أخبار إبراهیم بن عبدالله بن

الحسن؛

۶۴- کتاب أخبار من عشق من الشعراء؛

۶۵- کتاب أخبار لقمان بن عاد؛

۶۶- کتاب أخبار لقمان الحکیم؛

۶۷- کتاب من خطب علی منبر بشعر؛

۶۸- کتاب أخبار تأبط شرا؛

۶۹- کتاب أخبار الاعراب؛

۷۰- کتاب أخبار قریش و الاصلان؛

۷۱- کتاب قبائل نزار و حرب ثقیف؛

۷۲- کتاب طبقات العرب و الشعراء؛

۷۳- کتاب ما رثی به النبی ﷺ؛

۷۴- کتاب أخبار السودان؛

۷۵- کتاب العود؛

۷۶- کتاب أخبار عمرو بن معدی کرب؛

۷۷- کتاب أخبار أمیة بن أبی الصلت؛

۷۸- کتاب أخبار أبی الاسود الدثلی؛

۷۹- کتاب أخبار أکثم بن صیفی؛

۸۰- کتاب أخبار عبدالرحمن بن حسان؛

۸۱- کتاب أخبار خالد بن صفوان؛

- ۱۰۶- کتاب الالویه و الرايات؛
 ۱۰۸- کتاب أخبار شریح؛
 ۱۱۰- کتاب أخبار دغفل النسابة؛
 ۱۱۲- کتاب أخبار حمزة بن عبدالمطلب؛
 ۱۱۴- کتاب أخبار صعصعة بن صوحان؛
 ۱۱۶- کتاب أخبار الفرزدق؛
 ۱۱۸- کتاب أخبار موسى بن جعفر علیه السلام؛
 ۱۰۷- کتاب رایات الازد؛
 ۱۰۹- کتاب أخبار حسان؛
 ۱۱۱- کتاب أخبار سلیمان؛
 ۱۱۳- کتاب أخبار الجن؛
 ۱۱۵- کتاب أخبار الحجاج؛
 ۱۱۷- کتاب أخبار جعفر بن محمد علیه السلام؛
 ۱۱۹- کتاب مناظرات علی بن موسی الرضا علیه السلام؛

- ۱۲۰- کتاب أخبار عقیل بن أبی طالب؛
 ۱۲۲- کتاب أخبار بنی مروان بن محمد؛
 ۱۲۴- کتاب أخبار البراجم؛
 ۱۲۶- کتاب أخبار المحدثین؛
 ۱۲۸- کتاب مقتل عثمان؛
 ۱۳۰- کتاب أخبار أبی الطفیل؛
 ۱۲۱- کتاب أخبار السید بن محمد؛
 ۱۲۳- کتاب أخبار العرب و الفرس؛
 ۱۲۵- کتاب هذبة بن خشرم؛
 ۱۲۷- کتاب أخبار سدیدف؛
 ۱۲۹- کتاب أخبار ایاس بن معاویه؛

طرق روایت کتاب‌ها: نجاشی گفته است که تنها برخی از کتاب‌های جلودی را خود دیده، بنابراین، نام کتاب‌های او را از فهرست‌ها نقل کرده است. او گفته است که ابوعبدالله حسین بن عبيدالله اجازه روایت تمام کتاب‌های جلودی را از طریق ابوالحسن علی بن حماد بن عبيدالله عدوی داشته است. هم‌چنین نجاشی از ابوعبدالله بن هذیه نقل کرده است که جعفر بن محمد بدو گفته که جلودی اجازه روایت تمام کتاب‌هایش را بدو داده است.^۱ چنان‌که ابومحمد هارون بن موسی بن احمد، اجازه روایت کتاب‌های عبدالعزیز بن یحیی را داشته است.^۲

ماهیت کتاب‌ها: طبیعی است که برخی از این عناوین، رساله‌های کوچکی بوده که می‌توانسته بخش‌هایی از کتاب‌های بزرگ‌تری باشد، چنان‌که کتاب‌های حدیثی بزرگ، مانند کافی چنین بوده‌اند. تعداد ۲۳ کتاب او مربوط به جمع‌آوری آثار ابن عباس، مانند تفسیر وی است که علی القاعده وی منقولات ابن عباس را گردآوری و تنظیم کرده است.

۱. نجاشی، همان، ص ۲۴۴.

۲. ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۶۶.



رواج کتاب‌های او: به‌رغم کثرت کتاب‌های نوشته شده توسط جلودی، تنها برخی از کتاب‌های وی رواج قابل توجهی در میان نویسندگان شیعه داشته و در منابع بعدی از آن استفاده شده است، اما منابع سنی به‌طور کلی از وی گزارش و روایتی نقل نکرده‌اند. برخی نویسندگان شیعه، بدون واسطه از کتاب‌های وی بهره برده‌اند. برای نمونه، علامه حلی دست خط فردی را که *مقتل الحسین جلودی* را دیده و بر آن یادداشت نوشته در *ایضاح الاشباه* نقل می‌کند.^۱ از دو کتاب وی در منابع شیعی بیشتر یاد شده یکی *ما نزل فی علی من القرآن* و دیگری *خطب علی* است که هیچ کدام صرفاً تاریخی نیست و بیشتر، کاربرد مذهبی و تبلیغی دارد. حلقه درسی وی: فعالیت علمی او در بصره بوده و در همان‌جا تدریس می‌کرده است. از احمد بن ابراهیم بن معلی عمی به عنوان مستملی حلقه درس وی یاد می‌شود.^۲

اساتید و مشایخ: با توجه به روایات باقی مانده از جلودی در منابع، مشایخ وی قابل شناسایی است. اسامی اساتید و مشایخ وی براساس نام‌های موجود در سلسله اسناد و نیز تعداد روایت وی از هر یک از مشایخ در پیوست ۲ آمده است.

شاگردان جلودی: در کتاب‌های رجال تنها از دو شاگرد وی یاد شده است که عبارت‌اند از: احمد بن محمد بن جعفر صولی که بصری بود و تمام عمر، هم‌نشین با جلودی. رجالیان شیعه ضمن توثیق او گفته‌اند که از ضعفاً روایت می‌کرد^۳ (که احتمالاً منظور از ضعفاً می‌تواند اخباریان بوده باشد). البته تعداد روایاتی که صولی از جلودی نقل کرده و در منابع حدیثی شیعه باقی مانده، بسیار اندک و تعداد آن چهار مورد است. شاگرد دیگر وی احمد بن ابراهیم عمی است که گفته شده تمام کتاب‌های جلودی را شنیده و روایت کرده است.^۴ درباره او گفته شده که از اخباریان عامه، بسیار روایت نقل می‌کرده است. با این حال در سلسله اسناد روایات موجود در منابع شیعی هیچ موردی یافت نشد که از طریق احمد بن ابراهیم عمی از جلودی نقل شده باشد. با توجه به روایات باقی مانده از جلودی در منابع و با مراجعه به اسناد این روایات، فهرست اسامی کسانی که از جلودی روایت کرده‌اند و نیز تعداد روایت هر یک در پیوست ۳ آمده است.

۱. علامه حلی، *ایضاح الاشباه*، ص ۲۴۵.

۲. رجال الطوسی، ص ۴۱۶ و ابن داود حلی، همان، ص ۲۱.

۳. نجاشی، همان، ص ۸۴.

۴. همان، ص ۹۷.

جایگاه نگارش‌های جلودی در میان نویسندگان متأخر

نویسندگان بعدی از کتاب‌های جلودی بهره برده و گزارش‌هایی از آن نقل کرده‌اند. این موارد گاه با یاد از نام کتاب همراه است و در برخی موارد تنها نام جلودی در سند گزارش، ذکر شده و مشخص نیست از کدام کتاب جلودی نقل کرده‌اند. در فهرست زیر، موارد یاد شده از جلودی در کتب بعدی با توجه به موضوعات آن‌ها و تناسب هر یک با کتاب‌های جلودی، ذیل عنوان کتاب مورد نظر جلودی جمع‌آوری شده است. در این فهرست تنها به نام کتاب‌هایی که از جلودی نقل کرده‌اند اکتفا کرده‌ایم و مورد نقل شده را نیاورده‌ایم. این موارد به شرح زیر است:

۱. کتاب ما نُزِلَ فی علی من القرآن

نام کتاب در رجال نجاشی، سعد السعود و الذریعه آمده است.^۱

ابن طاووس مجموعه‌ای را در اختیار داشته که شامل چندین رساله بوده است، از جمله همین رساله جلودی. بنا به نقل کلبرگ مورد نقل شده در سعد السعود از جزء اول اخذ شده است.^۲ این تألیف در مجلدی بوده که تألیفات دیگری از مؤلفان دیگر در آن قرار داشته است. کلبرگ گمان کرده این کتاب همان کتابی از جلودی است که در باره اهل بیت علیهم‌السلام نوشته و بر این اساس گفته است که عنوان این تألیف در بحار الأنوار^۳ کتاب ما نُزِلَ من القرآن فی اهل البیت آمده است.^۴ این نظر کلبرگ صحیح نیست، زیرا تألیف وی در باره اهل بیت علیهم‌السلام کتاب دیگری است که پس از این از آن یاد خواهد شد. در این زمینه، دو نویسنده، موارد بسیاری را از جلودی نقل کرده‌اند، یکی استرآبادی در تأویل الآیات الظاهره است که موارد را از محمد بن عباس بن ماهیار از عبدالعزیز بن یحیی جلودی نقل می‌کند (محمد بن عباس، مشهور به ابن جحام کتابی با عنوان ما نُزِلَ من القرآن فی اهل بیت علیهم‌السلام داشته که به نظر می‌رسد موارد نقل شده از جلودی در آن یا به گونه سماع شفاهی از جلودی بوده و یا به کتاب وی دست‌رسی داشته و از آن نقل کرده است). دیگری ابوبکر جرجرائی است که موارد قابل توجهی از جلودی نقل کرده

۱. نجاشی، همان، ص ۲۴۱؛ ابن طاووس، سعد السعود، ص ۲۰ و ۲۳۵-۲۳۶ و آقابزرگ تهرانی، الذریعه،

ج ۱۹، ص ۲۸، ش ۱۴۵.

۲. اتان کلبرگ، همان، ص ۱۷۰.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۲۲ به نقل از: ابن طاووس، سعد السعود، ص ۲۳۶.

۴. اتان کلبرگ، همان، ص ۳۷۵.

و این موارد در کتاب *شواهد التنزیل* حاکم حسکانی آمده است.

به هر حال، در منابع، مجموعاً ۸۱ مورد از جلودی نقل شده که می توانسته از این کتاب باشد.^۱

۲. کتاب ما نزل فی الخمسه

نجاشی از این کتاب یاد کرده است.^۲ در منابع، ۲۱ مورد را می توان با توجه به تناسب موضوع، مشخص کرد و گفت از این کتاب نقل شده است.^۳

۳. کتاب تزویج فاطمه علیها السلام

نجاشی از این کتاب یاد کرده است.^۴ بیشترین موارد نقل شده از جلودی درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در کتاب *دلائل الإمامه* طبری موجود است که به نظر می رسد کتاب جلودی را در اختیار داشته است. صولی، شاگرد جلودی نیز کتابی با عنوان *اخبار فاطمه* داشته که علی القاعده محتوای آن، منقولانی از استادش را نیز در برداشته است. به هر تقدیر، در منابع در موارد متعددی از این کتاب، یاد شده است.^۵

۴. کتاب ذکر فاطمه علیها السلام ابابکر

نجاشی کتابی با این عنوان برای جلودی شمرده است که به نظر می رسد کتابی غیر از کتاب یاد شده در عنوان پیشین است.^۶ تنها یک نقل در منابع موجود است که به نظر می رسد از این کتاب استفاده شده باشد.^۷

۱. برخی از این موارد عبارت اند از: *شیخ صدوق، الخصال*، ج ۲، ص ۵۹۲ و موارد دیگر؛ *همو، الأمالی*، ص ۲۷۶؛ *حاکم حسکانی، شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۶۶ و موارد دیگر و *استرآبادی، تأویل الآیات الظاهره*، ص ۳۰۳ و موارد دیگر.

۲. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۳. برخی از این موارد عبارت اند از: *شیخ صدوق، الخصال*، ج ۲، ص ۵۹۲ و موارد دیگر؛ *همو، الأمالی*، ص ۲۷۶؛ *حاکم حسکانی، شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۶۶ و موارد دیگر؛ *استرآبادی، تأویل الآیات الظاهره*، ص ۳۰۳ و موارد دیگر.

۴. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۵. برخی از این موارد عبارت اند از: *شیخ صدوق، معانی الاخبار*، ص ۶۴؛ *حسین بن عبدالروهاب، عیون المعجزات*، ص ۴۶ و طبری، *دلائل الإمامه*، ص ۱۹، ۴۱-۴۲، ۵۲ و ۵۵-۵۷.

۶. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۷. طبری، *دلائل الإمامه*، ص ۳۰.

۵. کتاب الفضائل

نجاشی از این کتاب نیز یاد کرده است.^۱ در منابع، احادیثی از جلودی در باره فضایل امام علی (ع) نقل شده که به نظر می‌رسد از همین کتاب فضائل است. در مجموع، دوازده مورد را می‌توان برگرفته از این کتاب دانست.^۲

۶. کتاب خطب علی (ع)

عنوان کتاب در الذریعه و بحار الأنوار، خطب امیرالمؤمنین (ع) آمده است.^۳ ابن طاووس نسخه دست‌نویس مؤلف را در اختیار داشته و از آن در کتاب محاسبة النفس^۴ استفاده کرده است. مورد نقل شده، جواب امام علی (ع) به سؤال ابن‌کواء در باره بیت المعمور است. حلی نیز از این کتاب در مختصر نقل کرده است.^۵ بخشی از آن خطبه در بحار الأنوار نیز آمده است.^۶ میرزای نوری نیز در المستدرک از مجموعه‌ای قدیمی (عتیقه) که گمان می‌کند از آن جلودی است، خطبه امام را نقل می‌کند.^۷ سید حیدر آملی در تفسیر المحيط الاعظم خطبه‌ای طولانی در موضوع آفرینش که در غایت غرابت بوده (و به همین سبب سید رضی در نهج‌البلاغه نیاورده) را از کتاب الخطب جلودی نقل کرده است. سید حیدر آملی کتاب جلودی را در اختیار داشته و چنین گفته است: «روی عن عبدالعزیز خطیب البصرة انه سئل علی (ع) ...»، و در پایان، سند را چنین نقل کرده است: «قال عمرو (بن ابی المقدام) اخبرنی جابر، ان ابا جعفر (ع) قال: وجدناه فی کتاب من کتاب علی (ع)».^۸

مجموعاً هشت خطبه از امام علی (ع) توسط جلودی نقل شده است.^۹

۱. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۲. این موارد عبارت‌اند از: ابن‌شاذان، مئة منقبه، ص ۱۶۸؛ شعیری، جامع الأخبار، ص ۹؛ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۶؛ خزاز قمی، کفایة الأثر، ص ۱۳۴؛ شیخ صدوق، الأمالی؛ همو، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶۹؛ ابن‌طاووس، الطرائف، ج ۱، ص ۱۵۶؛ شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۸۲؛ استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۴۳ و شیخ مفید، الأمالی، ص ۹۱.

۳. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۵، ص ۳۳۰ و مجلسی و بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۵۶.

۴. ابن‌طاووس، محاسبة النفس، ص ۲۸.

۵. حلی، مختصر، ص ۸۷-۸۹ و ۹۸.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۷. میرزای نوری، المستدرک، ص ج ۱۳، ص ۲۰۰.

۸. سید حیدر آملی، تفسیر المحيط الأعظم، ج ۲، ص ۱۳۶.

۹. برخی از آن‌ها در منابع ذیل آمده است: شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۶۰؛ محدث نوری، مستدرک

۷. کتاب مقتل الحسين (ع)

نجاشی از این کتاب یاد کرده^۱ و علامه حلی آن را در اختیار داشته و دست خط فردی که مقتل الحسين جلودی را دیده و بر آن یادداشت نوشته را در ایضاح الاشتباه نقل می‌کند.^۲ ابومخنف مورخ مشهور، مواردی را به نقل از جلودی در باره امام حسین (ع) نقل می‌کند که علی القاعده با توجه به تقدم و تأخر زمانی می‌باید جلودی دیگری باشد.^۳ به هر حال، دو مورد را می‌توان برگرفته از این نوشته دانست.^۴

۸. کتاب ذکر الحسين (ع)

نجاشی از این کتاب یاد کرده است.^۵ به تناسب موضوع، یک مورد را می‌توان برگرفته از این کتاب دانست.^۶

۹. کتاب اخبار ابی جعفر محمد بن علی (ع)

نجاشی از این کتاب یاد کرده است.^۷ در الذریعه از این کتاب با عنوان اخبار ابی جعفر الباقر یاد شده است.^۸

۱۰. اخبار جعفر بن محمد

از این کتاب در منابع متعددی یاد شده است.^۹

۱۱. اخبار مناظرات علی بن موسی الرضا (ع)

→ الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۵؛ حلی، المحتضر، ص ۸۷؛ ابن طاووس، محاسبة النفس، ص ۲۸ و سید حیدر آملی، تفسیر المحيط الأعظم، ج ۲، ص ۱۳۶.

۱. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۲. علامه حلی، ایضاح الاشتباه، ص ۲۴۵.

۳. برخی موارد را بنگرید در: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۵ و ۲۸۵.

۴. این دو مورد عبارت‌اند از: شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۶۵ و شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۹.

۵. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۶. شیخ صدوق، التوحید، ص ۷۹.

۷. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۸. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱، ص ۳۱۵. منابع دیگری نیز از این کتاب یاد کرده‌اند که عبارت‌اند: شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۳ و همو، الأمالی، ص ۴۱.

۹. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۸؛ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹ و همو، الخصال، ج ۱، ص ۱۹۰.

۱۰. شیخ صدوق از آن یاد کرده است (ر.ک: عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۵۵).

۱۲. کتاب اخبار المهدی علیه السلام

نجاشی از این کتاب یاد کرده است.^۱ به طور کلی پنج مورد را می‌توان برگرفته از این کتاب دانست.^۲

۱۳. کتاب تفسیر ابن عباس

به ابن عباس دو تفسیر نسبت داده شده که یکی از آن‌ها تفسیری است که جلودی آن را گرد آورده است.^۳

۱۴. کتاب صفین

در منابع متعددی از این کتاب یاد شده است.^۴ ابن طاووس دو دعا از امام علی علیه السلام که پیش از جنگ خوانده نقل می‌کند. یکی از این دعاها را کفعمی (ظاهراً به توسط ابن طاووس) نقل کرده است.^۵

۱۵. کتاب الغارات

نجاشی از این کتاب یاد کرده است.^۶

۱۶. کتاب بیوت السخاء و الکرم

تنها علی بن محمد علوی از این کتاب یاد و مطلبی از آن نقل کرده است. وی این کتاب را در اختیار داشته و چنین گفته است: «فوجدت أنا فی کتاب صنفه أبو أحمد عبدالعزیز بن أحمد الجلودی، بفتح الجیم، و سمّاه بکتاب بیوت السخاء و الکرم».^۷

۱. نجاشی، همان، ص ۲۴۰.

۲. خزاز قمی، کفایة الأثر، ص ۱۶۰؛ شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۷۱؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۴؛ همو، الخصال، ج ۱، ص ۵۹ و مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۱۱.

۳. بروجردی، تفسیر الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۷. هم‌چنین جلودی یک مورد از تفسیر ابن عباس نقل کرده است (ر.ک: شیخ صدوق، الأمالی، ص ۶۳۰).

۴. برای نمونه ر.ک: نجاشی، همان، ص ۲۴۰؛ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۵۲؛ ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۹۶-۹۷ به نقل از: اتان کلبرگ، همان، ص ۵۲۵، ش ۵۴۷.

۵. ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۹۶.

۶. نجاشی، همان، ص ۲۴۰. به نظر می‌رسد یک مورد از این کتاب نقل شده است (ر.ک: شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۰۹).

۷. علی بن محمد علوی، المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۶.

نام کتاب در برخی منابع آمده است.^۱ کلبرگ گفته است: بنا به گفته آغا بزرگ به این تألیف در محاسبه النفس اشاره شده، اما در نسخه چاپی چنین اشاره‌ای وجود ندارد. آیا ممکن است که این عنوان، عنوان دیگر کتاب خطب مولانا علی اثر جلودی باشد؟^۲ هیچ اشتراکی میان عناوین این دو کتاب وجود ندارد تا تشابه، موجب اشتباه شده باشد. البته احتمال کلبرگ بر این اساس است که ابن طاووس در کتاب محاسبه النفس تنها از یک کتاب جلودی یاد کرده و آن هم خطب علی علیه السلام است.^۳

نتیجه

با توجه به کثرت تألیفات تاریخی جلودی، به نظر می‌رسد این کتاب‌ها رواج شایسته خود را در میان دانشمندان بعدی نداشته و تنها کتاب وی که در باره آیات نازل در مورد امام علی علیه السلام بوده مورد مراجعه بسیار قرار گرفته و در کتاب‌های دیگر بارها از آن یاد شده است. عدم مراجعه به کتاب‌های تاریخی وی می‌تواند نشانه عدم اقبال به تاریخ به گونه محض آن در میان شیعیان باشد، زیرا از کتاب‌های جلودی بیشتر از مواردی استفاده شده که می‌توانسته در تأیید معتقدات و آرمان‌های مذهبی باشد. گفتنی است که در کتاب‌های روایی و تاریخی اهل سنت هیچ موردی از جلودی امامی مذهب نقل نشده است.

۱. برای نمونه ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۹، ص ۲۶.

۲. اتان کلبرگ، همان، ص ۳۷۶.

۳. ابن طاووس، محاسبه النفس، ص ۲۸.

پیوست ۱: کتاب‌های جلودی که نجاشی از آن‌ها یاد کرده‌است:

- ۱- کتاب مسند امیر المؤمنین علیه السلام؛
- ۲- کتاب الجمل؛
- ۳- کتاب صفین؛
- ۴- کتاب الحکمین؛
- ۵- کتاب الغارات؛
- ۶- کتاب الخوارج؛
- ۷- کتاب بنی ناحیه؛
- ۸- کتاب حروب علی علیه السلام؛
- ۹- کتاب ما نزل فی الخمسة علیه السلام؛
- ۱۰- کتاب الفضائل؛
- ۱۱- کتاب نسب النبی صلی الله علیه و آله؛
- ۱۲- کتاب تزویج فاطمة علیها السلام؛
- ۱۳- کتاب ذکر علی علیه السلام فی حروب النبی صلی الله علیه و آله؛
- ۱۴- کتاب محب علی علیه السلام و من ذکره بخیر؛
- ۱۵- کتاب من أحب علیا علیه السلام و أبغضه؛
- ۱۶- کتاب ضغائن فی صدور قوم؛
- ۱۷- کتاب من سبه من الخلفاء؛
- ۱۸- کتاب الکناية عن سب علی علیه السلام؛
- ۱۹- کتاب التفسیر عنه؛
- ۲۰- کتاب القراءات؛
- ۲۱- کتاب ما نزل فیہ من القرآن؛
- ۲۲- کتاب خطبه علیه السلام؛
- ۲۳- کتاب شعره علیه السلام؛
- ۲۴- کتاب خلافته علیه السلام؛
- ۲۵- کتاب عماله و ولاته علیه السلام؛
- ۲۶- کتاب قوله علیه السلام فی الشور؛
- ۲۷- کتاب ما کان بین علی علیه السلام و عثمان من الکلام؛
- ۲۸- کتاب المرء مع من أحب؛
- ۲۹- کتاب مآل الشيعة بعد علی علیه السلام؛
- ۳۰- کتاب ذکر الشيعة و من ذکر هم هو أو من أحب من الصحابة؛
- ۳۱- الکتاب المتعلقة بعبد الله بن العباس رضی الله عنه - مسنده - رضی الله عنه -؛
- ۳۲- کتاب قضاء علی علیه السلام؛
- ۳۳- کتاب رسائل علی علیه السلام؛
- ۳۴- کتاب من روى عنه من الصحابة؛
- ۳۵- کتاب مواعظه علیه السلام؛
- ۳۶- کتاب ذکر کلامه علیه السلام فی الملاحم؛
- ۳۷- کتاب ما قيل فیہ من شعر و من مدح؛
- ۳۸- کتاب مقتله علیه السلام؛
- ۳۹- کتاب علمه علیه السلام؛
- ۴۰- کتاب قسمه علیه السلام؛



- ۴۱- کتاب الدعاء عنه علیه السلام؛
 ۴۲- کتاب اللباس عنه علیه السلام؛
 ۴۳- کتاب الشراب و صفته و ذکر شرابه علیه السلام؛
 ۴۴- کتاب الأدب عنه علیه السلام؛
 ۴۵- کتاب النکاح عنه علیه السلام؛
 ۴۶- کتاب الطلاق عنه علیه السلام؛
 ۴۷- کتاب التجارات عنه علیه السلام؛
 ۴۸- کتاب الجنایة و الدیات عنه علیه السلام؛
 ۴۹- کتاب الضحایا و الذبائح و الصيد و الأیمان و الحراج؛
 ۵۰- کتاب الفرائض و العتق و التدبیر و المكاتبه عنه علیه السلام؛
 ۵۱- کتاب الحدود عنه علیه السلام؛
 ۵۲- کتاب الطهارة عنه علیه السلام؛
 ۵۳- کتاب الصلاة عنه علیه السلام؛
 ۵۴- کتاب الصیام عنه علیه السلام؛
 ۵۵- کتاب الزکاة عنه علیه السلام؛
 ۵۶- کتاب ذکر خدیجة و فضل أهل البيت علیهم السلام؛
 ۵۷- کتاب ذکر فاطمة علیها السلام أبابکر؛
 ۵۸- کتاب ذکر الحسن و الحسین علیهما السلام؛
 ۵۹- کتاب فی أمر الحسن علیه السلام؛
 ۶۰- کتاب ذکر الحسین علیه السلام؛
- ۶۱- کتاب مقتل الحسین علیه السلام؛
 ۶۲- کتاب التنزیل عنه؛
 ۶۳- کتاب التفسیر عنه؛
 ۶۴- کتاب المناسک عنه؛
 ۶۵- کتاب النکاح و الطلاق عنه؛
 ۶۶- کتاب الفرائض عنه؛
 ۶۷- کتاب تفسیره عنه الصحابة؛
 ۶۸- کتاب القراءات عنه؛
 ۶۹- کتاب البیوع و التجارات عنه؛
 ۷۰- کتاب الناسخ و المنسوخ عنه؛
 ۷۱- کتاب نسبه؛
 ۷۲- کتاب ما أسنده عن الصحابة؛
 ۷۳- کتاب ما رواه من رأى الصحابة؛
 ۷۴- کتاب بقیة قوله فی الطهارة؛
 ۷۵- کتاب الصلاة و الزکاة؛
 ۷۶- کتاب الذبائح و الأطعمة و اللباس؛
 ۷۷- کتاب الفتیا و الشهادات و الأقضية و الجهاد و العدة و شرائع الإسلام؛
 ۷۸- کتاب قوله فی الدعاء و العوذ و ذکر الخیر و فضل ثواب الأعمال و الطب و النجوم؛^۱

۱. ابن طاووس از این کتاب یاد کرده و جلودی را از کسانی دانسته که در علم نجوم از او یاد می شود (فرج المهموم، ص ۲۲). هم چنین مجلسی همین عبارت را درباره او به کار برده ←



- ۷۹- کتاب قوله فی قتال اهل القبلة و
إنكار الرجعة و الأمر بالمعروف؛
۸۰- کتاب فی الأدب و ذکر الأنبياء و أول
کلامه فی العرب؛
۸۱- کتاب بقية کلامه فی العرب و قریش
و الصحابة و التابعين و من ذمه؛
۸۲- کتاب قوله فی شيعة علي عليه السلام؛
۸۳- کتاب بقية رسائله و خطبه و أول
مناظرته و ذکر نسائه و ولده. آخر کتاب ابن
عباس؛
۸۴- أخبار التوابين و عين الورد؛
۸۵- أخبار المختار بن أبي عبيد الثقفي؛
۸۶- أخبار علي بن الحسين عليه السلام؛
۸۷- کتاب أخبار أبي جعفر محمد بن
علي عليه السلام؛
۸۸- کتاب أخبار المهدي عليه السلام؛
۸۹- کتاب أخبار زيد بن علي عليه السلام؛
۹۰- کتاب أخبار عمر بن عبدالعزيز؛
۹۱- کتاب أخبار محمد ابن الحنفية عليه السلام؛
۹۲- کتاب أخبار العباس؛
۹۳- کتاب أخبار جعفر بن أبي طالب؛
۹۴- کتاب أخبار أم هانئ؛
۹۵- کتاب أخبار عبدالله بن جعفر؛
۹۶- کتاب أخبار الحسن بن أبي الحسن؛
۹۷- کتاب أخبار عبدالله بن الحسن بن
الحسن؛
۹۸- کتاب أخبار محمد بن عبدالله؛
۹۹- کتاب أخبار إبراهيم بن عبدالله بن
الحسن؛
۱۰۰- کتاب أخبار من عشق من الشعراء؛
۱۰۱- کتاب أخبار لقمان بن عاد؛
۱۰۲- کتاب أخبار لقمان الحكيم؛
۱۰۳- کتاب مرج الفقهاء؛
۱۰۴- کتاب من خطب علي منبر بشعر؛
۱۰۵- کتاب أخبار تأبط شرا؛
۱۰۶- کتاب أخبار الأعراب؛
۱۰۷- کتاب أخبار قریش و الأصنام؛
۱۰۸- کتاب فی الحيوانات؛
۱۰۹- کتاب قبائل نزار و حرب ثقيف؛
۱۱۰- کتاب الطب؛
۱۱۱- کتاب طبقات العرب و الشعراء؛
۱۱۲- کتاب النحو؛
۱۱۳- کتاب السحر؛
۱۱۴- کتاب الطيرة؛
۱۱۵- کتاب زجر الطير؛
→ است (ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۲۹۸) و
صاحب جواهر وی را از کسانی دانسته است
که در علم نجوم دست داشته اند (ر.ک:
جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۰۷).



- ۱۱۶- کتاب ما رثی به النبی ﷺ؛
 ۱۱۷- کتاب الرؤیا؛
 ۱۱۸- کتاب أخبار السودان؛
 ۱۱۹- کتاب العود؛
 ۱۲۰- کتاب الرقی؛
 ۱۲۱- کتاب المطر؛
 ۱۲۲- کتاب السحاب و الرعد و البرق؛
 ۱۲۳- کتاب أخبار عمرو بن معدیکرب؛
 ۱۲۴- کتاب أخبار أمیه بن أبی الصلت؛
 ۱۲۵- کتاب أخبار أبی الأسود الدؤلی؛
 ۱۲۶- کتاب أخبار اکثم بن صیفی؛
 ۱۲۷- کتاب أخبار عبدالرحمن بن حسان؛
 ۱۲۸- کتاب أخبار خالد بن صفوان؛
 ۱۲۹- کتاب أخبار أبی نواس؛
 ۱۳۰- کتاب أخبار المدنین؛
 ۱۳۱- کتاب الأطعمه؛
 ۱۳۲- کتاب الأشریه؛
 ۱۳۳- کتاب اللباس؛
 ۱۳۴- کتاب أخبار العجاج؛
 ۱۳۵- کتاب النکاح؛
 ۱۳۶- کتاب ما جاء فی الحمام؛
 ۱۳۷- کتاب أخبار رؤیه بن العجاج؛
 ۱۳۸- کتاب ما روی فی الشطرنج؛
 ۱۳۹- کتاب شعر عباد بن بشار؛
 ۱۴۰- کتاب أخبار أبی بکر و عمر؛
 ۱۴۱- کتاب من أوصی بشعر جمعه؛
 ۱۴۲- کتاب من قال شعرا فی وصيته؛
 ۱۴۳- کتاب خطب النبی ﷺ؛
 ۱۴۴- کتاب خطب أبی بکر؛
 ۱۴۵- کتاب خطب عمر؛
 ۱۴۶- کتاب خطب عثمان بن عفان؛
 ۱۴۷- کتاب کتب النبی ﷺ؛
 ۱۴۸- کتاب رسائل أبی بکر؛
 ۱۴۹- کتاب رسائل عمر؛
 ۱۵۰- کتاب رسائل عثمان؛
 ۱۵۱- کتاب حدیث یعقوب بن جعفر بن سلیمان؛
 ۱۵۲- کتاب الطیب؛
 ۱۵۳- کتاب الریاحین؛
 ۱۵۴- کتاب التمثل بالشعر؛
 ۱۵۵- کتاب قطائع النبی ﷺ؛
 ۱۵۶- کتاب قطائع أبی بکر و عمر و عثمان؛
 ۱۵۷- کتاب الحیاة؛
 ۱۵۸- کتاب الدنانیر و الدراهم؛
 ۱۵۹- کتاب أخبار الأحنف؛
 ۱۶۰- کتاب زیاد، کتاب أخبار الوفود علی النبی ﷺ و أبی بکر و عمر و عثمان؛



- ۱۶۱- کتاب أخبار الفرس؛
 ۱۶۲- کتاب أخبار أبی داود؛
 ۱۶۳- کتاب مقتل محمد بن أبی بکر؛
 ۱۶۴- کتاب السخاء و الکرم؛
 ۱۶۵- کتاب الاقتضاء؛
 ۱۶۶- کتاب البخل و الشح؛
 ۱۶۷- کتاب أخبار قنبر؛
 ۱۶۸- کتاب الأولیة و الرايات؛
 ۱۶۹- کتاب رايات الأزد؛
 ۱۷۰- کتاب أخبار شریح؛
 ۱۷۱- کتاب أخبار حسان؛
 ۱۷۲- کتاب أخبار دغفل النسابة؛
 ۱۷۳- کتاب أخبار سلیمان؛
 ۱۷۴- کتاب أخبار حمزة بن عبدالمطلب؛
 ۱۷۵- کتاب أخبار الجن؛
 ۱۷۶- کتاب أخبار صعصعة بن صوحان؛
 ۱۷۷- کتاب أخبار الحجاج؛
 ۱۷۸- کتاب أخبار الفرزدق؛
 ۱۷۹- کتاب الزهد؛
 ۱۸۰- کتاب الدعاء؛
 ۱۸۱- کتاب القصاص؛
 ۱۸۲- کتاب الذکر؛
 ۱۸۳- کتاب المواعظ؛
 ۱۸۴- کتاب أخبار جعفر بن محمد علیه السلام؛
 ۱۸۵- کتاب أخبار موسی بن جعفر علیه السلام؛
 ۱۸۶- کتاب مناظرات علی بن موسی الرضا علیه السلام؛
 ۱۸۷- کتاب أخبار عقیل بن أبی طالب؛
 ۱۸۸- کتاب أخبار السید بن محمد؛
 ۱۸۹- کتاب أخبار بنی مروان بن محمد؛
 ۱۹۰- کتاب أخبار العرب و الفرس؛
 ۱۹۱- کتاب أخبار البراجم؛
 ۱۹۲- کتاب هدبة بن خشرم؛
 ۱۹۳- کتاب أخبار المحدثین؛
 ۱۹۴- کتاب أخبار سدید؛
 ۱۹۵- کتاب مقتل عثمان؛
 ۱۹۶- کتاب أخبار إیاس بن معاوية؛
 ۱۹۷- کتاب أخبار أبی الطفیل؛
 ۱۹۸- کتاب الفأر؛
 ۱۹۹- کتاب القروء.
 علاوه بر این کتاب‌ها، کتاب‌های دیگری که برای وی شمرده شده به شرح زیر است:
 ۲۰۰- کتاب بیوت السخاء و الکرم؛
 ۲۰۱- کتاب المرشد و المسترشد؛
 ۲۰۲- کتاب المتعه و ما جاء فی تحلیلها.

۱. علی بن محمد علوی، المجدی فی أنساب الطالبین، ص ۱۶.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۱۹.

۳. همان.

پیوست ۲: اساتید و مشایخ جلودی

۱- محمد بن زکریا غلابی، جوهری، ابو عبدالله، ۴۹ روایت؛

۲- مغیره بن محمد مهلبی، ۲۷ روایت؛

۳- محمد بن سهل، ۱۳ روایت؛

۴- احمد بن عمار بن خالد، ابو عبدالله، ۵ روایت؛

۵- هشام بن علی، ابوعلی، ۴ روایت؛

۶- حسین بن حمید، ۳ روایت؛

۷- محمد بن عطیه، ۲ روایت؛

۸- هشام بن جعفر، ۲ روایت؛

۹- احمد بن ابان، ۱ روایت؛

۱۰- ابو حامد طالقانی، ۱ روایت؛

۱۱- عباس بن فضل، ۱ روایت؛

۱۲- حسین بن معاذ، ۱ روایت؛

۱۳- اشعث بن محمد ضبی، ۱ روایت؛

۱۴- ابراهیم بن فهد، ۱ روایت؛

۱۵- احمد بن محمد بن عطار، ۱ روایت؛

۱۶- احمد بن عبدالله کوفی، ۱ روایت؛

۱۷- موسی بن زکریا، ۱ روایت؛

۱۸- محمد بن عبدالرحمن بن سلام ۱ روایت.

با توجه به ارقام یاد شده، مهم‌ترین استاد وی محمد بن زکریا غلابی است که با عنوان

«اخباری واسع العلم» از او یاد شده و جلودی بیشترین مورد را از او نقل کرده است.



پیوست ۳: شاگردان جلودی

- ۱- محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی، ابوالعباس، ۴۳ روایت؛
- ۲- ابو بکر جرجرائی، ۳۸ روایت؛
- ۳- محمد بن عباس، ۳۰ روایت؛
- ۴- محمد بن احمد بن محمد بن علی، حافظ، فقیه، ۲۵ روایت؛
- ۵- احمد بن عمار بن خالد، ۹ روایت؛
- ۶- محمد بن احمد صفوانی، ابوعبدالله، ۷ روایت؛
- ۷- محمد بن عبدالرحمن بن فضل، ۷ روایت؛
- ۸- احمد بن محمد بن جعفر صولی، ابو علی، ۴ روایت. با تعبیر «صحاب الجلودی عمره» از او یاد شده است.^۱ وی کتابی با نام/خبر فاطمه داشته است.^۲
- ۹- احمد بن محمد بن عمر بن یونس حنفی یمامی، ۴ روایت؛
- ۱۰- عمرو بن محمد بن ترکی، ۴ روایت؛
- ۱۱- ابراهیم بن فهد، ۳ روایت؛
- ۱۲- حسین بن حمید، ابوعبدالله، ۳ روایت؛
- ۱۳- محمد بن عبدالرحمن بن سلام، ۳ روایت؛
- ۱۴- حسین بن معاذ، ۳ روایت؛
- ۱۵- حسن بن عبدالله بن سعید عسکری، ۳ روایت؛
- ۱۶- محمد بن احمد بن محمد مفید، ابوبکر مفید، ۲ روایت؛
- ۱۷- ابوالعباس کدیمی، ۲ روایت؛
- ۱۸- عمرو بن محمد بن زکریا، ۲ روایت؛
- ۱۹- حسین بن علی بزوفری، ۲ روایت؛
- ۲۰- محمد بن احمد بن یعقوب، ۱ روایت؛

۱. ر.ک: نجاشی، همان، ص ۸۴؛ رجال طوسی، ص ۴۱۷؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۷۵ و ابن داود حلی، همان، ص ۳۹.

۲. نجاشی، همان، ص ۸۴.

- ۲۱- احمد بن عبدالله بن حسین، ۱ روایت؛
- ۲۲- احمد بن محمد بن رمیح نسوی، ابوسعید، ۱ روایت؛
- ۲۳- احمد بن موسی ازرق، ۱ روایت؛
- ۲۴- میسره بن محمد، ۱ روایت؛
- ۲۵- محمد بن عبدالله ضبی، ۱ روایت؛
- ۲۶- علی بن جعد، ۱ روایت؛
- ۲۷- محمد بن عیسی واسطی، ۱ روایت؛
- ۲۸- ابراهیم بن محمد، ۱ روایت؛
- ۲۹- اسحاق بن موسی انصاری، ۱ روایت؛
- ۳۰- زکریا بن یحیی، ۱ روایت؛
- ۳۱- محمد بن یونس قرشی، ۱ روایت؛
- ۳۲- ابوالقاسم تستری، ۱ روایت؛
- ۳۳- ابوعوانه، ۱ روایت؛
- ۳۴- حسین بن محمد بن سعید خزاعی، ابوعبدالله، ۱ روایت؛
- ۳۵- محمد بن حسن علوی، ۱ روایت؛
- ۳۶- عبدالله بن محمد بصری، ابومحمد، ۱ روایت؛
- ۳۷- احمد بن ابراهیم بن احمد بن معلی بن اسد عمی، ابو بشر^۱؛
- ۳۸- جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه، ابوالقاسم^۲.

۱. وی از اصحاب جلودی و مستملی وی بود که تمام کتاب‌های وی را از او شنید و روایت کرد (شیخ طوسی، الفهرست، ص ۷۱ و نجاشی، همان، ص ۹۶).

نجاشی در شرح حال احمد بن عبدالله بن عیسی اشعری نقل می‌کند که وی نسخه‌ای از ابو جعفر ثانی، امام محمد جواد علیه السلام داشته است. وی طریق آن را چنین نقل می‌کند: «أخبرنا محمد بن علی الكاتب عن محمد بن وهبان، قال حدثنا أحمد بن إبراهيم العمی، قال حدثنا عبد العزيز بن يحيى الجلودی، قال حدثنا محمد بن عبد الرحمن بن سلام، قال حدثنا أحمد بن عبدالله بن عیسی بن مصقلة، قال حدثنا محمد بن علی بن موسی علیه السلام (نجاشی، همان، ص ۱۰۱).

احمد بن ابراهیم عمی خود از اخباریان بود و از اخباریان عامه نیز بسیار نقل می‌کرد. او کتاب‌هایی در زمینه تاریخ داشت که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: کتاب تاریخ کبیر و کتاب تاریخ صغیر، کتاب مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، کتاب اخبار صاحب الزنج و کتاب اخبارالسید (همان، ص ۱۹۷).

۲. جلودی از مشایخ اجازه او بوده است (آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، قرن رابع، ص ۷۶).

فہرست منابع

۱. آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علی نقی منزوی، قم، اسماعیلیان.
۲. _____، الذریعہ الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.
۳. آملی، سیدحیدر (قرن ہشتم) تفسیر المحيط الاعظم، تہران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن ابی جمہوری احسانی (م ۸۴۰ق)، عوالی اللآلی، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۵ق.
۵. ابن اثیر، عزالدین (م ۶۳۰ق)، اللباب فی تہذیب الأنساب، تحقیق عبداللطیف حسن عبدالرحمن، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۰ق.
۶. ابن داود حلّی، تقی الدین (م ۷۰۷ق) رجال، نجف، مطبعة الحیدریہ، ۱۳۹۲ق.
۷. ابن شاذان قمی (قرن چہارم)، مآۃ منقبہ، قم، مدرسہ امام مہدی، ۱۴۰۷ق.
۸. ابن طاووس، (م ۶۶۴ق)، الطرائف، قم، چاپخانہ خیام، ۱۴۰۰ق.
۹. _____، فرج المهموم، قم، دارالذخائر.
۱۰. _____، فلاح السائل، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. _____، سعد السعود، قم، انتشارات دارالذخائر.
۱۲. _____، محاسبۃ النفس، انتشارات مرتضوی.
۱۳. _____، مہج الدعوات، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۱۴. ابن قتیبہ، عبداللہ بن مسلم، ادب الکاتب، تحقیق محمد دالی، بیروت، مؤسسة الرسالہ، ۱۴۲۰ق.
۱۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (م ۳۸۰ق)، کتاب الفہرست، ترجمہ رضا تجدد، چاپخانہ بانک بازرگانی، ۱۳۴۶.

۱۶. استرآبادی، شرف الدین (م ۹۴۰ق)، تأویل الایات الظاهره، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.

۱۷. امامی فر، علی، تاریخ نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم، قم، انتشارات پارسایان، ۱۳۸۳.

۱۸. بروجردی، سیدحسین، تفسیر الصراط المستقیم، قم انتشارات انصاریان، ۱۴۱۶ق.

۱۹. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.

۲۰. جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام، قم، انتشارات انصاریان.

۲۱. حاکم حسکانی، (م ۴۹۰ق)، شواهد التنزیل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۲۲. حسین بن عبدالوهاب (القرن الخامس)، عیون المعجزات، نجف، المطبعة الحدریه، ۱۳۶۹ق.

۲۳. حضرتی، حسن، دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.

۲۴. حلی، حسن بن سلیمان (قرن هشتم)، المحتضر، المكتبة الحدریه، ۱۴۲۴ق.

۲۵. حلی، حسن بن یوسف (م ۷۲۶ق) ایضاح الاشتباه، تحقیق محمد حسن، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.

۲۶. _____، رجال، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.

۲۷. حموی، یاقوت (م ۶۲۶ق)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.

۲۸. خزاز قمی، علی بن محمد (قرن چهارم)، کفایة الأثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.

۲۹. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، مؤسسه آل البيت.

۳۰. سمعانی، ابوسعید (م ۵۶۲ق)، الأنساب، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلی، حیدرآباد، مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق.

۳۱. شعیری، تاج الدین محمد بن محمد (قرن ششم)، جامع الاخبار، نجف، المطبعة الحدریه، ۱۳۶۳ق.

۳۲. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، التوحید، قم، انتشارات جامعه مدرسیین، ۱۳۹۸ق.

۳۳. _____، الأمالی، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ق.

۳۴. _____، النخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسیین، ۱۴۰۳ق.

۳۵. _____، علل الشرايع، قم، مكتبة الداوری.
۳۶. _____، عيون اخبار الرضا، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
۳۷. _____، كمال الدين و تمام النعمه، قم، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۹۵ق.
۳۸. _____، معانی الاخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۳۶۱ق.
۳۹. شيخ مفيد (م ۴۱۳ق)، الامالی، قم، كنز كنه، ۱۴۱۳ق.
۴۰. صدر، حسن، تأسيس الشيعة، انتشارات اعلمي، ۱۳۷۵.
۴۱. طبري، محمد بن جرير (قرن چهارم)، دلائل الامامه، قم دار الذخائر.
۴۲. طوسي، محمد بن حسن (م ۴۶۰ق)، فهرست كتب الشيعة و اصولهم، تحقيق سيد عبدالعزيز طباطبائي، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.
۴۳. _____، رجال الطوسي، تحقيق جواد قيومي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ق.
۴۴. عبد الحميد، صائب، معجم مؤرخي الشيعة، قم، مؤسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامي، ۱۴۱۴ق.
۴۵. علوي، علي بن محمد، المعجدي في انساب الطالبين، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
۴۶. كلبرگ، اتان، كتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه سيد علي قرايي و رسول جعفریان، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ۱۳۷۱.
۴۷. مجلسي (م ۱۱۱۱ق)، بحار الأنوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۴۸. محدث نوري، (م ۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۴۹. نجاشي، احمد بن علي (م ۴۵۰ق)، رجال النجاشي، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، [بی تا].
۵۰. نجفی، محمد حسن، (م ۱۲۶۶ق)، جواهر الكلام، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ق.
۵۱. نور ولي، محمد، اثر التشيع في الروايات التاريخيه في القرن الاول الهجري، مدينه، دار الخضيری، ۱۴۱۷ق.